



مسئولیت‌های عضو

حزب اسلامی افغانستان



مسئولیت‌های عضو

حزب اسلامی افغانستان

ناشر:

۱۳۵۵

چاپ اول:

۱۳۹۴

چاپ جدید:

فهرست

صفحه	عنوان
۱-----	مقدمه
۸-----	مسئولیت‌های عضو
۸-----	فصل اول
۸-----	در ساحه عقیده
۹-----	جزء نخستین این عقیده
۱۲-----	بخش دوم این عقیده
۱۲-----	بخش سوم این عقیده
۱۵-----	بخش چهارم این عقیده
۱۷-----	بخش پنجم این عقیده
۱۹-----	بخش ششم این عقیده
۲۲-----	فصل دوم
۲۲-----	در ساحه عمل
۲۳-----	الف: در ساحه زندگی فردی

۳۰	ب: در ساحه زندگی اجتماعی-----
۴۲	سوم :- مسئولیتهای حزبی-----
۴۸	الف- تعارف:-----
۴۹	ب- تکوین:-----
۵۰	ج- تنفیذ:-----
۵۲	چهارم- مسئولیتهای اجتماعی:-----
۵۹	مسئولیتهای اعضاء شوری-----
۶۴	مسئولیتهای امیر حزب و امرای ماتحت-----
۷۱	اختتامیه-----

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

قرآن این مشعل فروزان هدایت؛ آنگاه که در رابطه به سرانجام مبارزه و پیکار میان حق و باطل به بحث می پردازد؛ از غلبه و پیروزی حتمی الوقوع حقپرستان؛ بعنوان نتیجه قطعی و حتمی این محاذ یادآور می گردد؛ آنجا که می فرماید:

الَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * المجادله ۲۲

آگاه باشید که یقیناً همینها (منسوبین) حزب خدا پیروز اند.

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا * الإسراء: ۸۱

بگو حق آمد و باطل نابود گردید؛ یقیناً که باطل نابود شونده است.

وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا * النساء: ۱۴۱

و یقیناً که خداوند برای کافران هیچ راه (غلبه) بر مؤمنان؛ نگذاشته است.

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ *

المؤمن: ۵۱

یقیناً که ما پیامبران خود را و آنانی را که ایمان آورده اند، در زندگانی دنیا حتماً نصرت خواهیم داد و در آن روزی نیز که گواهان بر پا خیزند. و اما از دیدگاه قرآن؛ تحقق این پیروزی قطعی و محتوم؛ به عواملی مربوط و منوط است که در ساختار هر حزب و گروهی که برای اقامه حق بمبارزه می پردازد؛ به مثابه عناصر اصیل و تعیین کننده می باشند. در واقع این عوامل یا متعلق به مشخصات امتیازی افرادی اند که این حزب را می سازند و یا مربوط به سنتها و قواعدی که این حزب بر مبنای آن تشکیل یافته و در پرتو آن بمبارزه می پردازد. چگونگی این پیروزی نه به تناسب قوای حق و باطل مربوط است و نه به مساعدت و عدم مساعدت شرائط و اوضاع پیوندی دارد، بلکه در صورت مراعات سنتها و اصولی که حزب خدا بر مبنای آن استوار می گردد؛ تناسب قوا خود بخود در جریان پیکار به نفع پیروزی حزب خدا تغییر خواهد کرد و شرائط و اوضاع خواهی نخواهی بر محور مصالح آن خواهد چرخید. هرچند در ظاهر امر محاذ باطل نیرومند و استوار جلوه کند و هرچند در مراحل ابتدائی این پیکار؛ شرائط و اوضاع به نفع صفوف باطل و در خدمت استحکام آن باشد.

به این باید توجه داشت که چنانچه مواصفات امتیازی افراد حزب خدا واقعیت‌های عملی اند نه ذهنی و خیالی؛ همچنان سنتها، قواعد و اصولی که این حزب بر مبنای آن استوار می گردد و پیروزی و غلبه اش

وابسته به آن است؛ نیز مسائل ذهنی نبوده؛ زاده ذهن ما نیستند؛ بلکه در واقع مسائلی اند حقیقی و واقعی که از لوازم طبیعی شخصیت و ساختار این حزب به حساب می‌روند.

برای تحقق پیروزی این حزب قبل از همه ناگزیریم مشخصات اعضاء این حزب را بشناسیم و سنتهایی را که لازمه طبیعت این نهضت است؛ درك نموده، در مطابقت به مقتضیات آن بکار پردازیم. بدون مراعات این نکات نه امکان موجودیت چنین حزبی متصور است و نه پیروزی و غلبه آن عملی و امکان‌پذیر. این مطلب را با مثالی توضیح می‌دهیم: اگر بخواهیم در پهنه این کائنات تصرفی بنماییم و در جهت ایجاد ترکیبی مشخص؛ مساعی بخرج دهیم؛ قبل از آن که به این کار مبادرت ورزیم ناگزیریم قاعده‌ای را که این ترکیب بر مبنای آن ایجاد می‌گردد تشخیص دهیم، عناصری را که اجزاء این ترکیب را تشکیل داده؛ درك کنیم و شرائطی را که برای ایجاد آن لازم است؛ بشناسیم. بعد از درك این سه عامل امکان آن میسر می‌گردد که در جهت ایجاد این ترکیب بطور موفّقانه اقدام نماییم. ما بعد از شناخت عناصر، قاعده و شرائط لازمی برای ایجاد ترکیب مذکور؛ در مطابقت به این شناخت و موازین آن اقدام می‌نماییم و نتیجه مطلوب بدست می‌آوریم، کوچکترین اهمال و غفلت در این زمینه؛ تحقق هدف را نا ممکن می‌سازد. مثلاً اگر کسی بخواهد (ترکیب آب) ایجاد کند؛ او ناگزیر است در قدم اول تشخیص دهد که این ماده از کدام عناصر با چه نوع

خصوصیاتی ساخته شده، و اجزای ترکیبی آن با کدام تناسب و موازنه در چه نوع شرائطی ترکیب مذکور را بمیان می آورد. بعد از درک این مطلب می توان مطابق این تشخیص که انعکاسی از واقعیت این پدیده و شناختی درست از ساختار آن است؛ بدون هیچگونه عدول و تجاوز عناصر معین را با توجه به تناسب معین آنها در این ترکیب؛ در شرائط مشخص آن بکار گرفته؛ ترکیب آب بدست آورد. چنانچه هرگز نمی توانیم از عناصر دیگری ترکیب آب به وجود آوریم؛ همچنان بدون مراعات نسبت ترکیبی اجزای آن و بدون تعبیه شرائط لازمی برای ترکیب آن امکان ساختن آب را نمی توان به دست آورد. همچنان اگر کسی بخواهد که از فساد این ماده جلوگیری نماید و آنرا در جهتی بکار گیرد که نتایج و ثمراتش را تحویل دهد؛ جز این که قواعد مربوط به این ترکیب را در نظر گرفته و با توجه به آن شرائط بقاء آن را فراهم سازد و بطریقی آنرا استعمال نماید که لازمه طبیعت آن است؛ چاره دیگری ندارد. در صورت عدم توجه به قواعد مربوط به این ماده؛ همچنان که ایجاد آن ممکن نمی باشد؛ مصرف مفید و مثمر آن و بدست آوردن نتایج مثبت از آن هرگز امکان نخواهد یافت.

به عین شکل نهضت اسلامی نیز بعنوان پدیده ای از پدیده های هستی از افراد و عناصر خاصی تشکیل می گردد؛ تابع سنتها، قواعد و اصول خاص خودش می باشد؛ که ایجاد، پیروزی و بقاء اش مربوط به آن است و در صورت عدم توجه به این قواعد اگر از يك طرف امکان آغاز و

ایجاد نهضت اسلامی بمیان نخواهد آمد؛ از جانب دیگر همزمان با عدول و انحرافی که از این قواعد و اصول صورت می‌گیرد؛ فساد و تباهی در پیکر نهضت رخنه نموده، موجودیتش را به نابودی تهدید می‌نماید و امکان آنرا از دست می‌دهد که نتایج و ثمراتش را تبارز دهد.

حزب اسلامی از افراد خاص؛ با مواصفات و مشخصات معینی تشکیل می‌گردد؛ این افراد در داخل حزب با یکدیگر روابط و علائقی خاص برقرار می‌نمایند و در برابر همدیگر مسئولیتهایی مشخص بعهده می‌گیرند و در قبال مجموع نهضت وجائب آنها رنگ و جلوه‌ای خاص بخود می‌گیرد، افراد و نهضت در مجموع اسلوب و روش شایسته خودش را اختیار می‌کند، و در قضایای جامعه نقش کاملاً امتیازی و متفاوت از دیگران بازی می‌کنند و بدینترتیب در پرتو اصول خاص فکری خویش که لازمه‌کیان این نهضت است؛ به سوی هدف به جلو می‌روند و شاهد پیروزی را به آغوش می‌کشند. با مراعات تمامی این نکات است که حزب اسلامی وجهه و صبغه اصلی‌اش را اختیار می‌نماید و وعده‌های الهی در مورد پیروزی آن تحقق می‌یابد.

همان گونه که حزب اسلامی مانند سایر احزاب و دسته‌های سیاسی تابع امیال زعماء و پیشوایان حزبی نبوده؛ بر محور اراده اربابان زر و زور نمی‌چرخد؛ به همین ترتیب اعضاء حزب اسلامی مانند عناصر فرومایه سایر سازمانهای سیاسی؛ افراد بی‌هدف، خودسر و بی‌بند و بار

نیستند که در زندگی فردی و اجتماعی شان تابع هیچگونه اصول و مقررات نباشند و در راه رسیدن به هدف از ارتکاب هیچ جرم و گناه، و پلیدی و ناپاکی دریغ نورزیده و انتخاب هر وسیله، ذریعه، روش و اسلوب را جائز بشمارند و در قاموس آنها انتخاب هر شیوه و طریقه تا زمانی که معارض مطامع پست مادی شان قرار نگیرد؛ بعنوان شیوه معقول و جائز پذیرفته شود؛ بلکه حزب اسلامی نهضتی است اصولی که پهلوه‌های گوناگون زندگی اعضاء و کارکنان آن در چهار چوبه مقررات و اصول ثابت و معین تنظیم می گردد. مسئولیتهایی خاص بر عهده شان گذاشته می شوند و در پرتو شیوه کار کاملاً ممتاز و متفاوت از دیگران بسوی هدف جلو می روند.

ما در این رساله مختصر برخی از مسئولیتهای گسترده کارکنان و منسوبین حزب اسلامی را تحت عنوان (مسئولیت‌های عضو) جمع آوری کرده ایم و در اختیار کسانی می گذاریم که افتخار عضویت حزب اسلامی افغانستان را کسب کرده اند و یا خواهان آن اند که در صفوف این رزمندگان مؤمن و خداپرست موضعگیری کنند. امیدواریم هر یکی عقیده، عبادات، اخلاق و کردارش را مطابق این برنامه عیار ساخته؛ بعنوان عضو متعهد و هدفمند این نهضت برای ادای مسئولیتهای بزرگ ایمانی اش آماده گردد و متیقن باشد که در آنصورت وعده خداوند در مورد پیروزی نهضت اسلامی حتماً تحقق خواهد یافت. آنجا که می فرماید:

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ *

و سست مشوید و اندوهگین م‌باشید و شما برترید اگر مؤمن باشید.

ومن الله التوفيق

مسئولیت‌های عضو

کسانی که در صفوف این حزب چون اعضاء متعهد پذیرفته می شوند؛ درباره آنها مطالب ذیل در نظر گرفته می شوند:

فصل اول

در ساحه عقیده

بنابر این که حزب ما در پرتو عقائد و باورهای خاص و در روشنایی جهان بینی ای مشخص؛ که رهنمای خویش گرفته و برای حاکمیت دینی ثابت و معین که برای خویش برگزیده است؛ به مبارزه پرداخته، هر عضو حزب باید ثابت کند که با عقیده و طرز فکر این حزب که بر مبنای اساسات اسلامی استوار است کاملاً موافق می باشد و ایمان و باورش به تمامی ارزشهای اسلامی، در باره خداوند متعال، در باره ملائک، در خصوص کتب آسمانی، در باره پیامبران علیهم السلام، در

مورد روز رستاخیز و در زمینه قضاء و قدر الهی از منابع موثق اسلامی مایه گرفته؛ عقائد و باورهای غیردینی را کنار می‌گذارد.

بخش نخستین این عقیده

ایمان به الله جل شأنه به این مفهوم است:

الله متعال ذات مقتدر و با عظمتیست که از هر عیب و نقص منزّه و مبراء است و حمد و ستایشها همه سزاوار شأن وی است. وی جل شأنه هم مالک و آفریدگار کائنات است و هم رب و حاکم آن. چنانچه همه موجودات هستی مملوک آن پروردگار با عظمت اند همه محکوم فرمان و تابع إذن و اراده وی اند. از درک و تسلیم این حقیقت لازم می‌آید که:

۱- آدمی جز خدای صمد و توانا احدی را ولی و کار ساز، حاجت روا و فریادرس، حامی و ناصر خود نپندارد.

۲- بغیر از الله متعال احدی را نفع و زیان دهنده نداند و متیقن باشد آنچه در سلسله اسباب و وسائل نفع و زیانی بر آن مرتب می‌گردد؛ ناشی از اراده و إذن الهی است. بناءً از هیچ کسی خوف و هراس ننماید، نه بر احدی تکیه و توکل کند و نه به حمایه احدی امیدها و آرزوهایش را وابسته سازد. زیرا مالک یگانه تمامی اختیارات تنها و تنها الله متعال است.

۳- جز بارگاه الهی دست دعاء و نیاز بسوی احدی دراز نکند، در جستجوی ملجأ و منجای دیگر نیفتد و از هیچکسی دیگر پناه نخواهد، جز خداوند جل شأنه کسی را بحیث چنان مددگار و حامی به کمک نه طلبد که در ماورای اسباب و وسائل اثرگذار بشمارد، احدی را در کارگاه طبیعت چنان دخیل نداند که قادر است اراده و قضای الهی را تغییر دهد یا متوقف سازد. زیرا در پهنای سلطنت خداوندی همه مخلوقات حتی انبیاء و فرشتگان صرفاً رعیت محتاج و نیازمند اند.

۴- در آستانه ای دیگر جز خدا سر عبادت و بندگی خم نکند؛ به پرستش دیگران نپردازد، بنام دیگران نذر ندهد و با کسی چنان معامله ای نکند که عناصر مشرک در برابر معبودان باطل شان بعمل می آورند؛ زیرا تنها خدای متعال مستحق عبادت است و بس.

۵- جز خداوند کسی را مالک الملك نخواند، کسی را بعنوان مرجع حکم دهنده و نهی کننده مستقل بالرأی نپذیرد، احدی را بحیث شارع و قانون ساز مستقل بالذات قبول نکند و از قبول تمام اطاعتها و بندگیهایی که تحت طاعت الله جل شأنه نباشد به شدت انکار نماید.

از قبول این عقیده لازم می آید که:

۶- انسان از خودمختاریها و بی بند و باریها دست برداشته؛ بندگی هوی و هوس را ترك بگوید و در برابر ذاتی که وی را بحیث معبود یگانه پذیرفته است؛ سراپا تسلیم باشد.

۷- خود را مالك بلاقيد و شرط هيچ چيزی از داشته هایش نپندارد؛ بلکه مالکیت خداوند جل شأنه را در تمامی اشیاء؛ حتی جان خود، اعضاء جسمش و نیروها و استعدادهای ذهنی و جسمی اش در نظر داشته؛ به عنوان ودیعه و امانت الهی در آن تصرف نماید.

۸- در قبال آفریدگارش چون بنده ذمه وار و جواب دهنده احساس مسئولیت نماید و در امر تصرف در نیروها و قوای ذهنی و جسمی اش همواره متوجه این حقیقت باشد که روز رستاخیز و در بارگاه الهی؛ از ناحیه چگونگی تصرف در آنها محاسبه خواهد شد.

۹- موازین و معیارهای الهی را در تشخیص خوب و بد و در تمییز میان پسندیده و ناپسند؛ من حیث موازین یگانه قضاوتها و بررسیهایش گرفته؛ آنچه را الله متعال و دینش سعادت و فلاح معرفی نموده؛ سعادت و فلاح بداند و آنچه را تباهی و هلاکت خوانده است؛ تباهی و هلاکت بشمارد.

۱۰- رضای الهی، قرب و نزدیکی به بارگاه وی و دستیابی به عنایت و رحمتش را نقطه عطف کلیه مساعی جمیله خویش و محور تمامی فعالیت‌های زندگی اش قرار دهد.

۱۱- در تمامی امور زندگی؛ در ساحه اخلاق و معاشرت، در بخش تمدن و معشیت، در رابطه به اقتصاد و سیاست و بالآخره در تمامی ابعاد و پهلوه‌های مختلف زندگی؛ تنها هدایات الهی را رهنما و دستور العمل

واقعی و نجاتبخش بشمارد و هر طریقه و ضابطه ای را که خلاف رهنمودهای الهی باشد؛ به شدت رد کند.

بخش دوم این عقیده

بخش دوم این عقیده (ایمان بر ملائک) به این معنی است:

خداوند جل شأنه با وجود بی نیازی مطلق؛ برای تنظیم و اداره امور عالم؛ مخلوقی بنام ملائک آفریده است؛ این ملائک در حوادث کائنات قدرت هیچگونه دخل و تصرف مستقلانه را ندارند و کاملاً مطابق مشیت و اراده الهی؛ در پهنایی کائنات به تدبیر امور می پردازند؛ به عبارت دیگر؛ آنچه در کائنات رخ می دهد؛ همه به اراده و مشیت آفریدگار مدبر و مقتدر هستی؛ به حکم وی و مطابق سنتهای ثابت و تغییر ناپذیرش انجام می یابد؛ اما ذریعه فرشته هایی که مأمور انتظام امور کائنات اند.

بخش سوم این عقیده

عقید ما نسبت به کتب آسمانی چنین است:

انسان برای تنظیم زندگی اش، تشخیص خوب از بد و مفید از مضر به رهنمایی نیازمند است، آفریدگار انسان برای رهنمایی او و برای آن که بداند فطرت و طبیعتش چه نیازمندیها و مقتضیاتی دارد؛ همواره و در مراحل مختلف حیات بشری؛ هدایات روشن و کاملی ذریعه پیامبران

برگزیده اش جلو انسانها قرار داده؛ این هدایت نامه های الهی از ناحیه کلیات و اصولی که به مسائل ثابت و تغییر ناپذیر مربوط اند؛ کاملاً یکسان اند؛ اما در مواردی که به مسائل تغییر پذیر تعلق دارد؛ احکام برنامه های الهی نیز متفاوت اند. هر دین الهی قبل از آن که با رسالت نوینی منسوخ گردد؛ بحیث تنها روش سالم زندگی و به عنوان یگانه عقیده و جهان بینی مکمل در باره الله جل شأنه، کائنات، انسان و روابط آنها با همدیگر بوده است، اکنون تنها کتابی که پیروی از هدایات آن و به کار بستن اصول و مقررات آن مسئولیت انسانها را تشکیل می دهد؛ آخرین کتابی است که بر محمد علیه السلام نازل گردیده است. این دین در مورد تنظیم تمامی جوانب زندگی انسان اصول ثابت و رهنمودهای روشنی دارد، در باره دولت و ملت؛ در رابطه به اخلاق و عدالت، در زمینه فرهنگ و قانون، در مورد کسب و کار و سرمایه، در باره عقیده و عبادت و بالآخره در رابطه به جهاد و دعوت؛ چنان رهنمودها و هدایاتی نجات بخش در جلو انسان می گذارد که ضامن فلاح و سعادت دنیا و آخرت بشریت است و هیچ راه و روش بهتر و جامع تر از آن سراغ نمی شود.

از ایمان به این عقیده لازم می آید که:

۱- انسان قبل از آن که در مورد موضوعی مشخص فیصله ای بعمل آورد و پیش از آن که برای هدفی معین گامی به جلو بگذارد؛ مکلف است

بداند که حکم دین خدا در باره آن چگونه است و مسئولیت او بعنوان فرد مؤمن از چه قرار است؛ سائر مسائل را به حیث موضوعات ثانوی؛ صرف تا آنجا مطمح نظر داشته باشد که در چهار چوبه احکام دین برای آن اهمیت و ارزش داده شده است.

۲- در دائره زندگی انسانی؛ تا آن جا که برای انسان اختیار و استقلال داده شده؛ دراین دائره؛ انسان به رضاء و رغبت خود حکومت تشریعی پروردگار را همانگونه بپذیرد که در دائره جبر هر ذره کائنات؛ چار و ناچار حاکمیت تکوینی پروردگار عالمیان را می پذیرند و در برابر آن منقاد و تسلیم اند. اساساً شیوه و طریقه زندگی ای که در نتیجه تسلیم شدن به حاکمیت تشریعی خداوند جل شأنه بمیان می آید؛ معنی حقیقی دین و واقعیت عملی آن همین است.

۳- در جهت اقامه دین؛ چه در ساحه زندگی انفرادی و چه در ساحه زندگی اجتماعی؛ خواه متعلق به نماز، روزه، حج و زکات باشد و یا مربوط به اقتصاد و معاشرت، تمدن و سیاست؛ خلاصه در همه ابعاد زندگی؛ برای حاکمیت دین مساعی صمیمانه و مخلصانه بنماید. برای برچیدن بساط شیوه های زندگی و نظامهایی که برخلاف ارزشها و رهنمودهای دینی برگزیده شده و بر جامعه انسانی سایه افکنده؛ از بذل هیچگونه فداکاری و قربانی دریغ نورزد.

مسئولیت‌های مؤمن در قبال دین الهی همین است که برای تحقق

کامل دین و ارزشها و رهنمودهایش؛ بدون هیچگون تجزیه و تقسیم و بدون کم و کاست؛ جد و جهد براه اندازد. آن بخشی از ارزشهای دینی که ارتباطش تنها با افراد و زندگی فردی است؛ هر مؤمن آنرا شخصاً در زندگی انفرادی اش مراعات کند؛ و اما بخشهایی که اقامه آن بدون جد و جهد اجتماعی امکان پذیر نیست؛ باید عناصر با ایمان را متحد ساخته و برای تحقق آن صف متحد و نیرومند و نظم اجتماعی فعال بوجود آورده؛ در ضمن صف متحد و منظم و طی مساعی دسته جمعی؛ مسئولیتهای ایمانی اش را اداء کند.

۴- هرچند مقصود اصلی افراد مؤمن در زندگی شان حصول رضای الله متعال و فلاح و نجات اخروی است؛ اما نیل به این هدف از هیچ طریقی دیگر غیر از این میسر نیست که در این دنیا و در زندگی خود برای اقامه دین خدا جد و جهد نماییم. از اینرو نصب العین عملی مؤمن اقامه دین و نصب العین حقیقی و نهایی اش رضای الهی است که در نتیجه مساعی و مجاهدت مخلصانه در راه اقامه دین بدست می آید.

بخش چهارم این عقیده

ایمان بر پیامبران علیهم السلام به این مفهوم است:

الله متعال برای هدایت و رهنمایی تمامی ساکنان روی زمین؛ از میان انسانها و بهترین و شایسته ترین شان را چون پیامبران خود برگزیده و این مأموریت را به آنان سپرده که رهنمودهای الهی را با

کمال امانت به مردم برسانند، با گفتار و کردار شان چگونگی و مقتضیات این رهنمودهای الهی را بیان کنند، مردم را به سوی بندگی خدا و اطاعت از دین الهی دعوت نمایند، با کردار و رفتار خود به مردم بفهمانند که معنی ایمان بر خدا چیست و مقتضیات آن چه، چگونه می‌توانند سعادت و فلاح دنیا و آخرت و رضاء پروردگار شان را بدست آرند. تمامی پیامبران الهی صادق، امین و بر حق بوده‌اند و تا زمانی که رسالت شان با رسالت و پیام آور جدید تعویض و تجدید نشده؛ ایمان بر آنها، اطاعت شان و عمل به رهنمودهای شان بر تمامی انسانها فرض بوده است.

حلقه آخرین این سلسله با رسالت پیامبر گرامی اسلام محمد علیه السلام تکمیل گردید.

لوازم طبیعی این عقیده بشرح ذیل اند:

۱- انسان مکلف است کلیه تعالیم و هدایاتی را که از سوی محمد صلی الله علیه و سلم و به گونه موثق و یقینی به او رسیده است؛ بدون چون و چرا بپذیرد.

۲- برای قبول يك حکم و تعمیل آن و یا انکار از کدام شیوه و طریقه تنها این برایش کافی است که این امر و نهی از جانب شریعتی است که محمد صلی الله علیه و سلم آورده است و مطابق رهنماییها و ارشادات اوست.

۳- ماسوی رسول الله صلی الله علیه و سلم کسی را پیشوا و رهنمای مستقل بالذات ندانسته؛ پیروی از دیگران را صرف در پیروی از کتاب الله، سنت پیامبر و شریعت اسلامی منحصر بداند و به هیچ صورتی متابعت آزاد کسی را نپذیرد.

۴- در هر معامله ای از معاملات زندگی اش؛ کتاب خدا و سنت رسول وی را بحیث نخستین و آخرین مرجع حجت و سند قرار دهد و عقیده و طریقه ای اختیار نماید که مطابق به شریعت رسول الله باشد و آنچه خلاف هدایات پیامبر صلی الله علیه و سلم ثابت گردد؛ آنرا ترك نماید. قضایا و مسائلی که نیازمند حل و فصل اند برای حل و فصل آن صرف به این سرچشمه هدایت رجوع کند.

۵- تمام عصبیتها را خواه شخصی باشند یا خاندانی؛ قبائلی و نسلی باشند و یا قومی و وطنی، فرقه ای باشند و یا گروهی؛ همه را کنار بگذارد. در محبت و عقیدت کسی چنان گرفتار نشود که بر محبت و عقیدت وی نسبت به حقیقتی که پیامبر صلی الله علیه و سلم تقدیم نموده؛ غالب شود و یا همتای آن گردد.

بخش پنجم این عقیده

ایمان بروز رستاخیر به این معنی است:

این عالم و نظام موجوده اش؛ ابدی و دائمی نبوده؛ بلکه بالآخره

روزی خاتمه می‌یابد؛ زمان دقیق نابودی آنرا تنها خدای علیم و خبیر می‌داند. آفریدگار جهان پس از خاتمه این عالم جهانی دیگر می‌آفریند که در آن تمامی انسانهایی که از آغاز آفرینش تا قیام قیامت بر روی زمین آفریده شده‌اند؛ دوباره زنده می‌گردند و تمامی اعمال زندگی‌شان محاسبه گردیده و سزا و جزای آنرا می‌بینند؛ کسانی که در محاسبه دقیق و عادلانه الهی در قطار افراد نیک و صالح قرار می‌گیرند؛ مستحق بهشت می‌شوند و آنان که در گروه بدکاران محسوب می‌شوند؛ مستحق عذاب می‌گردند و به دوزخ می‌روند. بنابر این باور؛ نتایج سعی و عمل انسان تنها محدود به زندگی دنیوی نبوده؛ بلکه بعد از مرحله کنونی زندگی؛ حیات جاودانه‌ای دیگر در قبال است که سلسله نتایج اعمال تا آنجا ادامه می‌یابد، دنیای کنونی دنیای ابتلاء و آزمایش است و نتایج قطعی، نهائی و کامل اعمال متعلق به آخرت.

از ایمان به روز رستاخیز بر انسان لازم می‌گردد که:

- ۱- معیار اصلی کامیابی و ناکامی را خوشحالی و بدحالی زندگی موجود نداند؛ بلکه معتقد باشد که در حقیقت انسان پیروزمند و سعادتمند کسی است که بعد از فیصله نهائی الهی کامیاب محسوب گردد و زیانمند و بدبخت کسی است که در آنجا در قطار زیان کاران قرار گیرد.
- ۲- در زندگی موجود؛ خود را غیرمسئول تصور ننماید؛ بلکه هر لحظه و در هر قدمی متوجه آن باشد که از اعمال و کارنامه‌های زنده‌گی‌اش

در برابر خدای علیم و قهار حساب خواهد داد.

۳- اگر نتایج فعالیتها و مساعی جمیله اش را در ابتدای سلسله دور و دراز حیات خود در نیابد و یا برعکس در زندگی دنیوی با نتایج معکوس مواجه گردد و در نتیجه اعمال پسندیده و نیک خود با مشکلات، دشواریها، مصائب و تکالیف روبرو شود؛ این کار نه تنها او را سست و بی اراده نسازد؛ بلکه با اطمئنان خاطر و با اعتماد به این که بالآخره نتایج اعمال نیک و پسندیده اش نزد خداوند خبیر و عادل محفوظ است؛ با اطمئنان کامل به مساعی اش ادامه دهد.

۴- از تنگ نظری، دنیا پرستی و انهماک کامل در علاقه افراطی به زندگی دنیا خودداری ورزیده؛ خرسندی نفس او در حصول منافع و مقاصد دنیوی اش محدود و منحصر نباشد و بدینترتیب مساعی اش در راه ارضاء نفس و بخاطر تحقق خواهشات نفسانی اش صورت نگیرد، وضعی اختیار نکند که اگر به مقاصد دنیوی دست بیابد خرسند گردد و اگر آنرا از دست دهد؛ از غم و اندوه جان دهد، بلکه باید پیروزی آخرت نصب العین حقیقی و هدف نهائی همه فعالیتهايش باشد.

بخش ششم این عقیده

ایمان به قضا و قدر به این مفهوم است:

هیچ حادثه ای از حوادث جهان بنابر تصادف و چانس و بدون

حکمت و مصلحت وقوع نمی‌یابد، از برخورد تصادفی پدیده‌ها به میان نمی‌آید، حوادث چنان نیستند که نه وقوع آنها تابع قاعده معینی باشد و نه نتایجی که بر آن مرتب می‌گردد بر محور ضوابط و مقررات مشخص می‌چرخد؛ بلکه در وراء تمامی حوادثی که بوقوع می‌پیوندند اراده پروردگاری مدبر و حکیم حکومت می‌کند که از کوچکترین حادثه روی زمین تا بزرگترین تحولی که در کائنات به منصف ظهور می‌رسد؛ به إذن و اجازه آن پروردگار با عظمت و مقتدر صورت می‌گیرد و حکمت و مصلحتی بر آن مرتب است.

هیچ واقعه و حادثه‌ای بنابر تصادف و بدون قاعده منظم و بغیر از مصلحت و حکمت به وقوع نمی‌پیوندد، از افتیدن برگی از شاخه درخت تا بیجا شدن کوه‌ها، از جنبیدن خانه عنکبوت تا زلزله‌های هولناکی که شهرهای بزرگی را سرنگون می‌سازد، از مردن مورچه‌ای ضعیف تا از میان رفتن ملتهای نیرومند و متمدن، از خاموش شدن چراغی تا تاریک شدن بزرگترین منظومه‌های شمسی؛ همه و همه طبق سنن منظم و ثابت الهی و یاذن و اراده خدای یکتا جل شانه؛ که مالک مطلق هستی و کائنات است؛ به وقوع می‌پیوندد.

در نتیجه ایمان به این عقیده بر آدمی لازم می‌گردد که:

- ۱- تصور نکند در رابطه به زندگی و مرگش؛ در چگونگی عزت و ذلتش، در باره پیروزی و شکستش و بالآخره در تمامی حالات گوناگون زندگی

اش؛ عاملی از عوامل هستی و عنصری از عناصر کائنات بطور مستقل و بدون إذن و اراده پروردگارش که مالک بلاشريك کائنات است؛ اثری گذاشته و در سر نوشت وی پدیده ای از پدیده های هستی با اختیار خود نقشی بازی می نماید.

۲- صاحب این تصور نه تنها در قبال تمامی مخلوقات عالم احساس عجز و ناتوانی نخواهد کرد و هرگز در برابر آنها کرنش نخواهد ورزید و به پرستش آنها نخواهد پرداخت؛ بلکه از هیچ نیرو و هیچ حادثه ای نخواهد هراسید و در قلب او خوف ماسوی الله نفوذ نخواهد کرد و جز ترس از خدای مقتدر و توانا ترسی را نخواهد شناخت.

۳- او در هیچگونه شرائطی با یأس و ناامیدی روبرو نخواهد شد و از هیچ حادثه ای به تشویش و اضطراب فرونخواهد رفت؛ پیشآمدها و حوادث او را با پشیمانی و پریشانی روبرو نخواهد ساخت؛ بلکه تا آن گاه و آن جا که مطابق هدایات و رهنمودهای پروردگارش گام به جلو می گذارد؛ از هر حادثه ای امید خیر خواهد داشت، هرچند این حادثه در ظاهر امر و در موازین و مقیاسهای معمول زندگی؛ و از نظر دیگران شکست، تلفات و ضایعات تلقی گردد.

فصل دوم

در ساحه عمل

پس از قبول و باور به ارزشها و مفاهیم عقیدوی، سؤال زندگی عملی جلو می‌آید. زیرا عقیده زیربنای عمل است و انسان در زندگی عملی اش چیزی را تبارز می‌دهد که ضمیر و عقیده درونی اش از او می‌خواهد و فرمان می‌دهد، در واقع کردار ما نمونه های تحقق یافته قضاوت‌های وجدانی ما است. انحراف و ضلالت در عقیده و باورها بگونه مسلم و حتمی در شخصیت عملی انسان؛ چون فساد و گمراهی نمایان می‌گردد. گرچه اخلاص باطنی نسبت به اعمال ظاهری اهمیت بیشتر دارد؛ اما در شریعت اسلامی کمال هردوی آن مطلوب است.

اعضاء و منسوبین این حزب بعنوان کسانی که نسبت به عقیده و جهان بینی حزب معتقد و باورمند اند؛ در جهات مختلف زندگی عملی خویش مسئله‌های بشری ذیل دارند:

الف: در ساحه زندگی فردی

۱- در جهت اصلاح نفس خویش به گونه ای عمل نماید که از رهگذر قوای جسمی اش نیرومند، از ناحیه اخلاقی متین و سنجیده و از لحاظ فکری معقول و سلیم بارآید؛ عقیده اش صاف و خالص و عباداتش پاکیزه و بی ریا گردد، ذرائع تأمین معیشتش حلال و جائز و امور زندگی روزمره اش مثمر و منظم گردد.

۲- تمامی علائق و مناسبات و دوستی و دشمنی اش بر محور هدیایات و ارزشهای اسلامی بچرخد، با هر کی دوستی می کند برای خدا باشد و با هر کی به دشمنی و عداوت می پردازد؛ دستور پروردگارش را در نظر داشته باشد. دوستی و دشمنی اش تنها بر پایه احکام و رهنمودهای دین استوار باشد.

۳- در زندگی شخصی اش هدیایات ذیل را با کمال دقت مراعات نماید:

الف: خَشْيَةُ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ: ترس از خدا در آشکار و پنهان.
 ب: وَالْعَدْلُ فِي الْغَضَبِ وَالرِّضَا: مراعات عدل در حالت غضب و رضاء.
 ج: وَالْقَصْدُ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى: اعتدال و میانه روی در حالت فقر و غناء.
 د: وَأَنْ أَصِلَ مَنْ قَطَعَنِي: پیوستن با کسی که رابطه اش را با من بریده است.

هـ: وَأَعْطِيَ مَنْ حَرَمَنِي: اعطاء به آن که مرا محروم کرده است.

و : وَأَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنِي: عفو و گذشت در برابر کسی که بر من تجاوز کرد.

ز : وَأَنْ يَكُونَ صَمْتِي فِكْرًا: و این که خاموشی ام تفکر باشد.

ح : وَنُطْقِي ذِكْرًا: و گفتارم ذکر و پند باشد.

ط : وَنَظْرِي عِبْرَةً: و نگاهم عبرت.

ی : وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ: و این که به نیکی امر و از بدی نهی کنم.

۴- همیشه با وقار، جدی و مصمم باشد و از لهو، لعب و مصروفیتهای بیهوده و بی ثمر جداً خودداری کند، در صحبتها و مجالسی که نتیجه و ثمره مفیدی بر آن مرتب نمی گردد و منجر به کینه و عداوت می شود؛ قطعاً و هرگز شرکت نه ورزد و مخصوصاً از جر و بحثها و مجادلات لفظی بی حاصل بطور جدی امتناع ورزد.

۵- شجاعت و دلاوری داشته باشد، بهترین شجاعت اظهار حق است؛ در امر اظهار حق هرگز از اهمال، مسامحه و مدهانت کار نگیرد و از هیچ نیرویی بیم و باک نداشته باشد. ولی باید متوجه باشد که در اظهار حق و دفاع از آن شیوه اسلامی و طریقه احسن و نیکو را فراموش نکند، این وجیهه را با مواظظ و نصائح سودمند و نیکو انجام دهد، به گونه ای که جانب مقابل احساس نماید شما نسبت به او ناصح امین و دوست مخلص و صادق بوده؛ بنابر دوستی و محبت با وی و خیرخواهی اش به این کار

مبادرت ورزیده اید. باید شیوه تبلیغ و نصیحت چنان نباشد که کرامت و عزت النفس جانب مقابل پامال گردد و احساس کدورت و عداوت برایش ایجاد شود.

۶- صادق و راستگو بوده؛ از کذب و دروغ به شدت پرهیزد؛ افواهاتی که واقعیت آن کاملاً به ثبوت نرسیده و شواهد موثق و شرعی وجود نداشته باشد؛ هم از قبول آن خودداری نماید و هم از اشاعه آن، نه تنها خودداری نماید بلکه در همان اثنائی که با چنین پیش آمدی مواجه می شود و می بیند که برخی مصروف اشاعه پراگنیها و تبلیغ افواهات اند آنان را سرزنش و ملامت کند و از ادامه این کار مانع شود.

۷- در هیچ قضیه ای تصمیم و قضاوتش را بر گمان و تخمین استوار نسازد، تا زمانی که در مسائل غور، دقت، تحقیق و بررسی شرعی صورت نگرفته؛ بخود حق ندهد که با اتکاء به گمان و تخمین حکم نماید.

۸- در مورد وسائل و ذرائع تأمین روزی و معیشت خویش کاملاً متوجه باشد؛ تنها وسائل و ذرائع حلال و مشروع را بکار گرفته؛ سعی نماید تا حرفه و کسبی را انتخاب کند که از راه آن از يك سو متکی بخود گردد و از زندگی ای که بر معاونت دیگران وابسته باشد آزاد گردد و از سوی دیگر از معاونت با کفر، بغاوت و عصیان در امان باشد، در شرائط موجود که ایفای وظائف رسمی دولتی مخالف تقوی و پرهیزگاری است

و حتی همکاری و معاونت با دستگاه‌های حاکمه مفسد و غیراسلامی محسوب می‌گردد، اذینرو بر اعضاء این حزب لازم است تا برای امرار حیات خود حرفه کاملاً آزاد برای خود انتخاب نمایند، ولی کسانی که از وظائف رسمی و دفاتر شان به حیث سنگر مبارزه استفاده می‌کنند از این ماده مستثنی‌اند. اما اینها نیز باید تأمین معیشت شان را بطور کامل در اشتغال به وظائف رسمی منحصر ن سازند؛ تا آنگاه که کارهای دولتی مانع فعالیت‌های حزبی شان نگردد و ایمان و تقوی آنها را متضرر نسازد؛ بهتر است این سنگر را به نفع دیگران تخلیه نکنند؛ ولی باید ملتفت باشند که مسلمان صرف در موضعی قرار می‌گیرد که چون سنگر جهاد به نفع اسلام از آن استفاده کند.

۹- متوجه نظافت خود باشد؛ خانه، لباس، جای خواب، اشیای خوردنی و نوشیدنی و جای کارش را کاملاً پاک و نظیف نگهدارد؛ زیرا بنیاد دین بر پاکی و نظافت استوار است.

۱۰- جرأت اعتراف بر گناه و اشتباه را داشته باشد و از انتقاد سالم برادران مسلمان خویش تحریک نگردیده؛ نسبت به آنها عقده نگیرد؛ بلکه انتقاد سالم و شرعی برادرانش را توأم با سپاسگزاری و امتنان بپذیرد.

۱۱- برای تحقق اهداف ایمانی اش که اعلاء کلمة الله و اقامه دین است؛ از هیچگونه فداکاری دریغ نورزیده؛ همه چیز خود؛ جان، مال، وقت و

هر لحظه از لحظات زندگی اش را در این راه وقف نماید؛ تقاضای ایمان همین است، باید بداند که هیچ مبارزه ای بدون فداکاری و قربانی به پیروزی نمی رسد.

۱۲- در تمامی ابعاد و جوانب زندگی عملی اش؛ اخلاق و آداب اسلامی را مراعات نموده؛ از عادات و مراسم غیراسلامی جداً بپرهیزد.

۱۳- روزانه باید يك قسمت قرآنکریم را تلاوت کند و سعی نماید علی الاقل ماه يك بار قرآنکریم را ختم کند. اصول تجوید را یاد گیرد و با معانی و مفاهیم قرآنکریم آشنا شود، احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم و اقوال سلف صالح و کارنامه های افتخار آمیز مسلمانان گذشته را تا سرحد توان بیاموزد. در آموزش احادیث و مطالعه سیرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم سعی و مجاهدت بیشتر بخرج دهد. کم از کم چهل حدیث را حفظ کند و از مسائل مربوط به عقائد و اصول فقه خود را واقف سازد.

۱۴- سعی کند همیشه با وضوء باشد، وضوء و طهارت درست و مکمل.

۱۵- روزه ماه مبارك رمضان را با تمامی شرائط آن بوجه احسن بگیرد.

۱۶- در اداء نمازهای پنجگانه اش هرگز و در هیچ حالتی اهمال و غفلت نورزد. نمازهایش را با مراعات تمامی شرائط آن؛ با خشوع و خضوع کامل اداء نموده، سعی کند نمازهای فرضش باجماعت و در مسجد باشد.

۱۷- به منظور تقویه هر چه بیشتر حزب؛ زکات و صدقات مالی اش را به بیت المال حزب بسپارد. و يك قسمت دارایی اش را هرچند اندك باشد؛ به غرض كمك به محرومان و مسكینان اختصاص دهد.

۱۸- در صورت توان و قدرت به زیارت خانه خدا مشرف و فریضه حج را اداء کند.

۱۹ همیشه به فکر جهاد و شهادت در راه خدا باشد و در این راه خود را کاملاً آماده سازد. هم آهنگ با مقتضیات اوضاع و شرائط در جهاد اسلامی سهم گرفته و در این زمینه تمامی مسئولیت‌های ایمانی اش را اداء کند.

۲۰- توبه اش را دائماً تجدید نماید و از بارگاه خداوند جل شأنه در مورد اعمال گنه آلود گذشته اش طلب آمرزش و مغفرت کند. مصمم باشد که از وقوع مکرر در گناه خودداری نماید؛ هر شب قبل از آن که به خواب رود اعمال روزانه اش را محاسبه کند، اوقات پر ارزش و قیمتی اش را بی مورد و در امور بیهوده ضائع نکند. باید هر لحظه زندگی اش را در انجام يك عمل نيك و پسندیده سپری کند.

۲۱- غرائزش را در مسیر سالم بکار گیرد و شهوات سرکش خود را مهار کند. از کارهای حرام، زنا، سود، دزدی، قمار، تجاوز بر حقوق دیگران و داد و ستد ناجائز به شدت اجتناب ورزد.

۲۲- در خوردن و نوشیدن حد اعتدال را مراعات کند؛ در نوشیدن چای

اسراف نکند؛ از استعمال اشیاء نشه آور جداً بپرهیزد و سعی نماید تا از کشیدن سگرت و نسوار اباء ورزد.

۲۳- با حیاء و حساس باشد و در برابر نیکی و بدی بی تفاوت نبوده و نیروی انفعال قوی داشته باشد؛ به گونه ای که با مشاهده نیکی و نیکوکاری مسرور گردد و از دیدن زشتیها، پلیدیها و نادرستیها غمگین و متأثر شود، در قبال افراد مؤمن متواضع باشد و در برابر عناصر بی ایمان به ذلت تن ندهد و از چاپلوسی و تملق بپرهیزد.

۲۴- در انتخاب جامه و لباس خود کاملاً متوجه بوده؛ حدود و رهنمودهای اسلامی را در رابطه به چوکی لباس مراعات کند، از انتخاب لباسی که با غیرت ایمانی و شخصیت اسلامی اش مغایرت دارد؛ خودداری ورزد، سعی کند تا با لباس ساده و سنگین و ارزان قیمت خود را عادی سازد. تابع مود و فیشن نباشد و از مصارف بیجا در زمینه تهیه لباس فاخره و قیمتی اجتناب ورزد.

۲۵- با عاطفه، رحمدل، شرافتمند و سخاوت پیشه باشد. در برابر انسان و حیوان دلسوز و مهربان باشد؛ بردباری، حلم و خود گذری داشته باشد. در برخورد با مردم روش نیکو و پسندیده اختیار نموده؛ آداب و اخلاق اجتماعی اسلامی را رعایت کند. نسبت به خردان ترحم و نسبت به بزرگان احترام داشته باشد؛ در مجالس و اجتماعات آداب مجلس را مراعات نماید و در اثنای داخل شدن به منزل کسی از صاحب خانه

اجازه بخواهد.

۲۶- نسبت به عهد و پیمان خود صادق و وفادار بوده؛ از بدعهدی و وعده خلافیها که مخالف وقار اسلامی وی است؛ به شدت بپرهیزد.

۲۷- سعی کند تا خواندن و نوشتن را بیاموزد؛ نشرات حزبی، روزنامه ها و مجلات اسلامی را که بدستش می رسد بخواند، راجع به اوضاع و احوال مسلمانان جهان خود را مطلع سازد.

ب: در ساحه زندگی اجتماعی

مسئولیت‌های اجتماعی افراد مؤمن ایجاب می کند که در راه ساختن جامعه کاملاً اسلامی مساعی صمیمانه و مخلصانه بخرج دهند و تمامی امکانات دست داشته شانرا در این راه بکار گیرند. مسئولیت‌های مهم اعضاء حزب در این ساحه به شرح ذیل اند:

اول- در راه تشکیل خانواده ای که با اخلاق و تعلیمات اسلامی آراسته و مزین باشد؛ سعی و مجاهدت وسیع بخرج دهد؛ زمینه آنرا فراهم سازد تا افراد عائله به مفکوره و نظریه و روشی که او در زندگی اختیار نموده کاملاً احترام گذاشته و مراعات آنرا حتمی و لازمی بدانند. همسر و شریک زندگی دیندار و خدایپرست برای خود انتخاب نماید؛ حقوق وی را بطور مکمل اداء کند و وجائبش را در برابر وی انجام دهد، فرزندانش را درست تربیه کند. در پرورش سالم آنها اصول تربیوی اسلام را در نظر

داشته باشد. در مرحله سوم اعضاء خانواده و اقارب نزدیکش را برای قبول دعوت و برنامه کار حزب آماده ساخته؛ تعلقاتش را با آنها تا مستوای علائق حزبی بالا ببرد.

دوم- او در قبال برادران حزبی اش مسئله‌های ذیل را بعهده دارد:

۱- مساعی ممکن در جهت اصلاح برادران و مراعات تمامی نکات ضروری در این زمینه.

۲- نسبت به برادر مسلمان خود احساس خیرخواهی و همدردی داشته باشد؛ برای او چیزی را آرزو کند که برای خودش می خواهد و چیزی را که برای خود نمی پسندد برای برادر مسلمان خود آرزو نکند، این احساس خیرخواهی باید در ساختار شخصیت اخلاقی افراد مؤمن تا سرحد ایثار رشد نماید؛ تا جایی که منافع و مصالح برادر مسلمانش را بر منافع و مصالح شخصی اش ترجیح دهد.

۳- باید معامله اش با برادر مسلمان بر مبنای رحمت و صمیمیت استوار باشد؛ به نحوی که این الفت، شفقت و دلسوزی کارش بجایی بکشد که سختترین و ناگوارترین لحظات زندگی اش هنگامی باشد که مشاهده کند برادر مسلمانش با مشقت و تکلیف روبرو است و دشواریها و مصائب او را احاطه کرده؛ او باید اندکترین زیانی را بحال برادر همسنگر خویش تحمل کرده نتواند.

۴- در برابر اشتباهات برادران همسنگرش با عفو و گذشت معامله

نموده؛ از سهو و لغزش آنها چشم پوشی نماید؛ البته در مواردی که مربوط به شخص وی باشد. زیرا این يك امر طبیعی و مسلم است که در تعلقات ذات البینی افراد؛ حتماً حوادث و واقعاتی رونما می گردد که در نتیجه آن از رهگذر اعمال يك جانب؛ جانبی دیگر متضرر گردیده؛ موجبات تکلیف، آزار و پریشانی اش را فراهم می سازد، حتی در جریان این روابط و مناسبات کارهایی نیز رخ می دهند که قانوناً مستحق قصاص و عوض می باشند، اما رابطه صمیمانه و برادرانه افراد مؤمن ایجاب می کند که در تمامی این مواقع؛ خشم و کینه سرکوب گردیده؛ با سینه فراخ و با حوصله کامل از اقدامات انتقام جویانه خودداری نموده؛ شیوه ای بزرگ منشانه عفو و گذشت اختیار گردد و بخاطر مصالح علیای حزب و به منظور بقاء علائق برادرانه و مخلصانه میان اعضاء حزب احساسات بر انگیزته و انتقام جویانه مهار شوند.

۵- احترام متقابل و مراعات اصل (أَدْلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ) وجوب هر فرد مؤمن را تشکیل می دهد.

۶- در راه ایجاد روابط صمیمی و برادرانه میان اعضاء حزب و رفع بدگمانیها، بی اعتمادیها و کشیدگیهای ذات البینی؛ مساعی و تلاشهای صمیمانه داشته و تمامی وسائل ممکن را در زمینه به کار گیرد و فضائی ایجاد نماید که اعضاء حزب نسبت به همدیگر چون اعضاء يك وجود گردند، هیچگونه سوءظن و بی اعتمادی مشاهده نشود و نفرت و

انزجار و بدبینیها بساطش برچیده شود. از مسائلی که عوامل بی‌اعتمادیها و بدبینیها را فراهم می‌سازد جداً خودداری نموده؛ دراین زمینه نکات ذیل را مراعات نماید:

۱- از غیبت باید پرهیزد و کسانی را که به این کار شنیع مبادرت می‌ورزند از تکرار و ادامه آن مانع شود.

در تعریف غیبت باید گفت: کسی که در باره شخصی دیگر و در غیاب او سخنانی بگوید که اگر او از آن اطلاع یابد موجب آزرده‌گی و اذیتش شود؛ هرچند سخن و تبصره اش مطابق واقع بوده باشد، بعبارت دیگر نقائص و عیوب واقعی اشخاص را در غیاب آنها ظاهر کردن؛ غیبت بوده و گناه کبیره شمرده شده، در این مورد الفاظ صریح، کنایه، اشاره و یا تائید سخن دیگران همه حرام بوده؛ لازم است از آن اجتناب شود. تنها در صورتهای ذیل اظهار رأی درباره دیگران و در غیاب آنان جائز شمرده می‌شود:

الف- شکایت علیه ظالم برای کسی که قادر به دفع ظلم بوده و توقع آن می‌رود که از ظلم ظالم مانع شود.

ب- بدیهای کدام شخص و یا کدام گروه را بمنظور اصلاح و برای کسی اظهار کردن که مجال و توان اصلاح آنها را داشته باشد.

ج- بیان چگونگی واقعه؛ به غرض استفتاء؛ جلو مفتی یا عالم دینی.

د- دیگران را از شر کدام شخص و یا اشخاص واقف کردن تا از ضرر آنها

نجات یابند و در امان باشند.

هـ - برضد کسانی که مصروف اشاعه فسق و فجور اند؛ با صراحت و وضاحت کامل فریاد کشیدن و نسبت به بدکاریهای شان اعتراض و انتقاد نمودن.

و- کسی که با لقب بد به پیمانه ای مشهور شده که بدون تذکر این لقب معرفی آن شخص ممکن نباشد؛ در آنصورت بمنظور شناساندن و تعریف نه بخاطر تنقیص وی؛ استعمال این لقب جائز است.

بجز صورتهای فوق؛ تبصره های نادرست و بدگوییها در غیاب اشخاص؛ مطلقاً حرام می باشد، اگر این بدگویی در عدم موجودیت شخص صورت بگیرد؛ غیبت است و اگر دروغ و کذب باشد؛ بهتان است و اگر برای ایجاد عداوت و دشمنی میان دیگران صورت گیرد؛ نمامت و چغلی محسوب می گردد. از نگاه شریعت اسلامی هر سه حرام بوده؛ هر فرد مسلمان جامعه اسلامی مکلف است که اگر در جلو وی چنین کاری صورت گیرد و نسبت به کدام شخص اتهام وارد شود؛ نباید با خاموشی آنرا بشنود و عکس العملی نشان ندهد، بلکه بر او لازم است آنرا رد کند، و اگر بدون ضرورت جائز و شرعی از کردار و اعمال بد دیگران یاد آوری شود؛ باید مرتکب این عمل ناجائز را از ارتکاب این جرم باز داشته؛ او را از خدای علیم و خبیر بترساند.

۲- در جستجو و کشف اسرار و عیوب دیگران نباشد و در زمینه احوال

و معاملات پنهانی سائر برادران خویش به جستجو و کاوش نپردازد. این کار خواه بنابر بدگمانی باشد و یا بدنیستی و یا به منظور رفع تشویش و استعجاب خود؛ به هر حال شرعاً ناجائز و ممنوع است، کار عناصر مؤمن این نیست که در جستجوی اسرار دیگران باشد و سعی کند بداند در خفا و پشت پرده چه می‌گذرد و چه کسی چه عیبی دارد. خواندن نامه‌های سری دیگران، گوش نهادن به گفتگوهای دیگران همه بد اخلاقی بوده؛ مایه فساد، اختلاف و بدبینیها می‌گردد.

۳- از تعرض به کرامت، آبرو و شخصیت افراد خودداری نماید؛ زیرا از نظر اسلام بدترین تجاوز و تعدی آن است که به عرض و آبروی مسلمان صورت گیرد. هر فرد مسلمان مکلف است تا از کرامت و حیثیت برادر مسلمانش دفاع نموده؛ نگذارد کسی به کرامت و عرض او تاخت و تاز کند. از نظر ما کسی که توانایی و جرات دفاع از شخصیت برادر مسلمانش را در داخل صفوف مسلمانان نداشته باشد و اجازه دهد به عزت و کرامت برادر حزبی اش بی حرمتی صورت گیرد؛ چنین شخصی جرأت، استعداد و توانایی آنرا نخواهد داشت که در حالت دشواری که فداکاری و قربانی بیشتر را ایجاب می‌کند؛ از اسلام و منافع مسلمانان دفاع نماید. نباید به چنین شخصی به دیده فداکار و مخلص بنگریم و به او اعتماد نماییم. اشخاصی که می‌توانند در حالت عادی از برادران همسنگر خویش دفاع کنند؛ بدون شك که در شرائط دشوارتر نیز شهامت و شایستگی آن را خواهند داشت که از اسلام و نهضت اسلامی

به بهای فداکاریهای مالی و جانی دفاع کنند.

۴- از بدگویی، بدزبانی و دشنام جداً اجتناب ورزد؛ هم در صحبت‌هایش و هم در اثنای جدل و مخاصمه دقیقاً متوجه باشد که از محدوده اخلاق اسلامی بیرون نرود و در دامن اخلاق غیراسلامی سقوط نکند. چون نزد خداوند جل شانه بدترین شخص از لحاظ مقام و مرتبه در روز قیامت کسی است که بخاطر ترس از بدزبانی او مردم از تماس و روبرو شدن با او اجتناب می‌ورزند. حتی در مورد کسانی که در خصوص آنها گمان بدی داریم و نسبت به بدی ایشان متیقن هم باشیم؛ باید در جریان مصافحه و روبرو شدن‌ها به بهترین وجهی با آنها معامله نماییم؛ باید برتری اخلاقی برادران ما در چنین حالتی بطور نمایان تبارز نماید، اخلاق و شیوه برخورد ما با برادران مسلمان چنان باشد که مایه رشك دیگران گردد.

۵- اجتناب از دائر کردن مجالس خصوصی به گونه ای که در دیگران احساس بیگانگی را برانگیزد و گمان کنند که آنها را شایسته شرکت در این مجالس نگرفته‌اید و مسائلی در آن مطرح می‌گردد که از آنها پنهان داشته می‌شوند. البته مجالس رسمی در صورت لزوم می‌تواند بطور سری دائر گردد و اسرار آن محفوظ بماند. در این مجالس نیز باید شرائط آن بمیان نیاید که عده ای تصور نمایند؛ با وجود عضویت در این مجالس از اسرار داخلی آن واقف نیستند و کارهای مربوط به این

مجلس بطور مخفی انجام می‌شود؛ در حالی که مربوط به تمامی اعضا مجلس می‌باشد ولی عده ای محدود آنرا تصویب و فیصله می‌نمایند و مجموع مجلس به گونه غیرقانونی بر محور اراده آنها می‌چرخد، مخصوصاً از موضع‌گیری‌هایی که اشتباه موجودیت دسته بندی‌ها در داخل نهضت را باعث می‌شود؛ جداً خودداری ورزد. اساساً طرح‌ها و پیشنهادهایی که نخست میان عده ای محدود مطرح گردیده؛ سپس این گروه به گونه غیرقانونی برای تصویب و تحمیل آن بر دیگران مشترکاً بکار می‌پردازند و از تبارز هماهنگ آنها چنان فهمیده می‌شود که چون گروه مستقل عمل می‌کنند، در خفا تصمیم مشترک می‌گیرند و سپس در برابر مجموع اعضا مجلس موقف واحدی اختیار می‌نمایند. این کار نهایت زیانمند بوده؛ منجر به ایجاد عقده‌ها و کینه‌ها گردیده؛ مایه و باعث اختلافات می‌گردد.

۶- احترام به نظریات و پیشنهادات برادران و فراهم کردن شرائطی که هر فرد بتواند نظریاتش را بطور آزادانه، بدون ترس و بیم و با اطمینان کامل در برابر دیگران گذاشته و دلائلش را ارائه کند. از تمسخر و استهزاء بر نظریات برادران و از بروز اکتها و عکس‌العمل‌هایی خودداری شود که نشان می‌دهد نظریات و پیشنهادات برادران بی‌اهمیت و بی‌ارزش تلقی می‌گردد. زمانی که یکی از برادران صحبت می‌کند و یا در موضوع خاصی پیشنهادی تقدیم می‌نماید؛ باید با اهتمام زیاد به سخنان او متوجه بوده؛ از مصروف شدن به کارهای دیگر و از بی‌اهمیت تلقی

کردن نظریات وی اجتناب شود.

همچنان لازم است در دوران ارائه نظر و پیشنهاد؛ هر فرد را برئ الذمه خوانده و نظریاتش؛ هر چند غلط باشد؛ بر عدم اخلاص با حزب و اراده بد و سوء حمل نگردد. احدی بخود حق ندهد که با استناد به نظریه مجرد يك برادر که آنرا ارائه کرده و به زعم خود دلائل معقولیت آنرا داشته است، نباید وی را بنابر ارائه این نظر مورد اعتراض قرار داد و محکوم کرد، مخصوصاً که او برای تحمیل و تعمیل آن بطور يك جانبه و بدون مراعات اصول و مقررات حزب به هیچ عمل غیرقانونی مبادرت نورزیده. این احساس مصونیت باید در داخل اعضاء حزب و در مجالس رسمی اش همواره موجود باشد؛ تا هر فرد حزب مطمئن باشد که می تواند نظریاتش را در فضاء کاملاً مصئون و مطمئنی مطرح نماید و در صورتی که دلائل، شواهد و اسناد معقول و شرعی داشته باشد مورد تأیید و قبول دیگران قرار می گیرد. عدم مراعات این نکته اعضاء حزب را بکار مخفی در راه تحمیل نظریات شان وادار ساخته؛ برای رسیدن به این مأمول راه های غیرطبیعی را انتخاب نموده و در نتیجه آن اختلافات به میان می آید.

۷- باید در هرگونه حالت و وضعیت قضاوت سالم و عادلانه داشته باشد؛ نه آزدگی از کسی و نه محبت با کسی او را از مراعات کامل حق و عدالت منحرف نسازد.

۸- از تبارز به خود بزرگ بینی و احساس امتیاز نسبت به دیگران خودداری نماید؛ در راه از میان برداشتن امتیازات ناروا و ناجائز مساعی جمیله بخرج دهد. باید انتظار آنرا نداشته باشد که دیگران او را برتر و دارای اهمیت فوق العاده بشمارند، در صدر هر مجلس بنشیند و رهبر و رهنمای هر دسته قرار گیرد و در نشستها و برخاستها جاهای خاصه بزرگان مخصوص وی باشد. در هر مقامی که قرار داشته باشیم حق آنرا نداریم که مدعی امتیاز از دیگران بوده؛ توقع نماییم که دیگران چون افراد بی ارزش و بی اهمیت از ما تعظیم و احترام بعمل آورند؛ نباید بنابر فداکاریها و قربانیهای که داده ایم؛ بر دیگران منت بگذاریم.

۹- در رابطه به اصلاح دیگران باید بجای انتقاد و اعتراض مجرد؛ شیوه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر اتخاذ گردد، یعنی باید قبل از آن که برادر مسلمانش در پرتگاه گناه سقوط نماید؛ به تربیه او همت بگمارد و زمینه آنرا فراهم سازد که بسوی نیکوییها هدایت شود. تنها به متوجه ساختن او به نیکوییها اکتفاء نکند؛ بلکه در جهت تکمیل و ارتقاء شخصیت وی سعی نماید؛ و اما اگر با وجود مساعی اش او به گناه مبادرت می ورزد؛ قبل از سقوط در ورطه گناه مانع وی گردد، پس از ارتکاب گناه مکلف است عیب او را بپوشاند و سعی نماید تا او را از تکرار گناه جلو گیری کند، نه این که خطایش را در برابر دیگران بروی او بکشیم، شرمنده و خجلش کنیم و گنهکار را در موضعی قرار دهیم که ما را دشمن پنداشته و نصیحت ما را معاندانه تلقی نماید و سعی کند

گناهش را عادی و بی اهمیت ثابت کند و یا به تکرار آن تحریک گردد. افزایش گناه شرم از گناه را از میان می برد و هیبتش را در نظر مردم پایین می آورد.

۱۰- نباید از مقرر شدن به وظیفه ای مشخص احساس بزرگی نموده؛ نسبت بدیگران احساس برتری و امتیاز کند، و در صورت عدم مؤظف شدن به وظیفه ای معین و دلخواهش نباید احساس حقارت نموده؛ فکر کند که نسبت به او اهانت صورت گرفته، اساساً باید مطالبه پست و چوکی و مقام توقع ناجائز و ناروا پنداشته شود، فرد فرد حزب خود را مکلف بداند که در راه سرکوبی تمایلات جاه طلبی اعضاء حزب سعی نماید و روحیه ای میان برادران ایجاد کند که احدی توقع و آرزوی رسیدن به قدرت و مقام را نداشته باشد، ذهنیت عمومی به نحوی عیار گردد که این جاه طلبیها از بین رفته و قبول وظیفه بعنوان يك مسئولیت اضافی شناخته شود. برادران حزب باید بدانند که آن‌عه اعضاء حزب که در راه کسب قدرت و مقام سعی می ورزند؛ اعضاء مفید حزب نبوده و در صورت سپردن پست و مقام به آنها کار کاملاً ناروایی صورت گرفته؛ که نتایج بدی برای نهضت تحویل می دهد. اگر مقامات رهبری حزب افرادی را برای ایفای وظائفی مشخص؛ مستعد تشخیص دهند و توظیف کنند؛ هیچ کسی باید بخود حق ندهد که بر انتخاب آنها اعتراض نموده؛ با عدم همکاری و ایجاد موانع زمینه ناکامی آنها را در پیشبرد بهتر کارها فراهم سازد. این کار نادرست و شیطانی مشکلاتی جبران ناپذیر

را برای نهضت باعث می شود.

۱۱- اظهار صمیمیت و علاقه به برادران؛ مسئولیت و وظیفه نهایت مهمی است که بر دوش هر فرد حزب گذاشته شده، باید از تماس و ارتباط با برادران ما هرکسی احساس مسرت کند؛ با هرکسی با پیشانی باز مواجه شود و خود را از دیگران مستغنی احساس نکند، در تماسها سرد و گرفته نباشد. برادرانی که به این بیماری مبتلا اند در واقع کسانی اند که به اهداف حزب علاقه قلبی ندارند، به هر پیمانه ای که ما با هدف فکری خود علاقه و ارتباط محکم داشته باشیم؛ متناسب با آن به افرادی احترام، محبت و علاقه خواهیم داشت که در راه رسیدن به هدف در پهلوی ما قرار می گیرند، این گناه است و کار خیلی ناجائز و ناروا که ما نسبت به برادران همسنگر و همسفر خود اظهار استغناء نموده، در قبال آنها موافقی داشته باشیم که از برخورد و تماس با ما خاطره بدی حاصل کنند و حتی عقده و نفرت شان تحریک گردد. ما باید نسبت به کسانی که مخلصانه و صادقانه خود را به ما نزدیک ساخته اند؛ کاملاً احساس عمیق علاقه و محبت نماییم و جلب صمیمیت آنها را وجیه مهم دینی خود بشماریم.

۱۲- داشتن روحیه ایثار، فداکاری و روا داری در برابر برادران هم صف و همسنگر تقاضای ایمان است، اساساً تعلق مؤمن باید با افراد مؤمن چنان باشد که سر با مجموع جسم دارد. او باید تکالیف اهل ایمان را

همانگونه احساس کند که سر تکلیف و درد هر عضو بدن را احساس می‌کند و در رابطه به آن بی تفاوت و بی اعتناء نمی‌باشد.

سوم :- مسئولیت‌های حزبی

اعضاء این حزب در برابر مجموع حزب و فعالیت‌های آن مسئولیت‌های ذیل را به عهده دارند:

۱- از تصامیم و فیصله‌های حزب با تمام قوا دفاع نموده؛ موافق، موضعگیری‌ها و اظهاراتی را که خلاف سیاست‌های حزب و موافق آن باشد به شدت محکوم نماید و در راه دفاع از موافق حزب و تحقق تصامیمش از هیچگونه قاطعیت و فداکاری دریغ نرزد. تحلیل‌ها و نظریاتی که خلاف طرز فکر حزب و خط مشی و سیاست‌هایش باشد؛ مخصوصاً آنگاه که برای اشاعه آن در داخل حزب فعالیت براه می‌افتد؛ به گونه جدی مانع آن شود؛ درقدم اول خود بجواب آن بپردازد و در همان نقطه جلو ادامه اینکار را سد کند و در غیر آن مقامات مربوطه حزب را متوجه آن ساخته و به همکاری آنها در جهت جلوگیری از فعالیت‌های مخالف مصالح حزب مساعی صمیمانه بخرج دهد.

۲- در وظائف محوله اش با کمال صداقت و با چنان شوق و ذوق مصروف کار باشد که تحرك پرنشاط او مایه تحريك همت و شور و شوق سائر اعضاء حزب گردد و به ذوق و ولوله شان بیفزاید، نه این که رویه نامناسب وی در سائر افراد نیز بی‌همتای و روحیه مصلحت طلبی

ایجاد کند.

۳- برای احادی جائز نیست که در صفوف اعضاء حزب روحیه جن و احتیاط بی مورد، فرصت طلبی، عقب نشینی و خزیدن به گوشه عافیت را ایجاد نماید و بجای این که آنها را به استقامت، ثبات و فداکاری در راه تعقیب مصممانه هدف تشویق نماید برعکس در پرتگاه تسلیم طلبی و سازش با شرائط و اوضاع سقوط دهد.

۴- در دارایی و اشیاء مربوط به بیت المال هرگز با بی احتیاطی تصرف نکند؛ دارایی مربوط به حزب را چون مال شخصی اش نپندارد، مالکیت عمومی حزب را در رابطه به تمامی ثروتها و اموال مربوط به حزب محترم بشمارد، آن چه از داراییها و امانتهای حزب در اختیار اوست؛ تا زمانی که حزب خواسته است که وی از آن استفاده کند؛ به اجازه و إذن مقامات رهبری حزب از آن استفاده شود؛ اما زمانی که تصمیم سپردن آن به شخصی دیگر و کاربردش به نحوی دیگر گرفته شود؛ در تسلیمی فوری آن به هیچ حيله و بهانه ای متوسل نشود.

۵- در رابطه به تصامیم حزب، سیاستها، فعالیتها و منصوبه هایش نباید بی تفاوت و بی اعتناء باشد، همواره و در هر حالی احساس مسئولیت کند. مطالب مهم و باارزش، مشوره های نیک و نظریات مفید خود را به مقامات رهبری حزب تقدیم کند، تمامی این کارها باید قبل از آن انجام یابد که تصمیم نهائی در مورد قضایا و مسائل اتخاذ می گردد، اما بعد از

آن که فیصله نهائی صادر گردد؛ احدی بخود حق ندهد که با طرح نظریات شخصی اش بر خلاف تصامیم و فیصله های قانونی حزب موضعگیری خصمانه نموده؛ به ایجاد تشویش و تشنج بپردازد، چنین کاری گناه و جرم محسوب می گردد. اعضاء حزب باید به هیچ کسی اجازه آنرا ندهند که بمنظور ابراز و اثبات شایستگیها و برازندگیهای خودش مسائلی را میان برادران طرح کند که هدف اصلی اش محض جلب توجه دیگران و اثبات برتری خود می باشد، و می خواهد با طرح این مسائل اعتماد اعضاء حزب را نسبت به مقامات رهبری تضعیف کند و عوامل تشویش و پریشانی آنها را فراهم سازد.

۶- اشتراك در مجالس و اجتماعات رسمی و تعقیب برنامه های منظم تربیوی را به عنوان مسئولیت مهم خویش در نظر داشته؛ بخود حق ندهد که بدون عذر شرعی و معقول و بدون کسب اجازه از مسئولین غیرحاضری کند، و با عدم شرکتش از يك سو بی نظمیها را باعث شود و روحیه عدم مراعات نظم و انضباط ایجاد گردد و از سوی دیگر شوق و ذوق سائر برادران از میان رفته و روحیه عدم سهم گیری فعال و جدی در جلسات و فعالیتهای حزب بوجود آید. کسی که به چنین کاری مبادرت می ورزد در واقع بدترین دشمنی علیه حزب را مرتکب می شود. وجبیه اعضاء مخلص، صادق و وفادار حزب این است که با شوق، رغبت و جدیت در تمام فعالیتهای حزب سهم فعال گرفته؛ عامل تشویق دیگران باشند. و کسانی را که مراعات این مسئولیتها را مراعات نمی

کنند؛ سرزنش نموده و وادار نمایند که از ادامه چنین کاری اجتناب ورزند.

۷- فعالیت‌های حزبی اش را با صبر و حوصله کامل انجام دهد؛ هم از عجله بی مورد خودداری کند و هم در برابر دشواریها و مزاحمت‌هایی که با آن مواجه می‌شود با صبر و استقامت عمل کند و به عقب نشینی و یأس تسلیم نشود. اگر نتیجه يك کار بزودی حاصل نگردد؛ نباید حوصله و همتش را از دست دهد؛ بلکه سعی پیهم و دوامدارش را بکار برد. در اثنای اشتعال جذبات و احساسات باید توازن فکری خود را حفظ کند و زمانی که در برابر احساسات برآشفته اش مغلوب است؛ نباید قدمی بجلو بگذارد؛ بلکه باید بعد از سکون، اطمینان و صحت عقل کارش را از سر بگیرد.

۸- در رابطه به جهاد فی سبیل الله؛ تنها توافق ذهنی با اهداف، مقررات و خط مشی حزب اسلامی کافی نیست؛ توافق و اطمینان ذهنی در این راه حیثیت گام نخستین را دارد؛ اساساً در این راه به احساسات عمیق قلبی ضرورت است؛ به احساساتی که مایه و انگیزه تحرك انسان بوده؛ او را بجلو براند. یکی از مسئله‌های مهم و عمده ما در داخل حزب تربیه افرادی است که به اسلام و ارزشهای دینی علاقه و تعهد محکم داشته؛ تمامی فعالیت‌های زندگی شان بر محور این علاقه بچرخد و در باره آن هیچ شراطی اهمال نورزند، مساعی در راه

اقامه دین را بعنوان بزرگترین و پر ارزشترین مسئولیت زندگی شان بشمارند و به موازین آن بهترین تلاشها و کوششهای شان را در این جهت بکار گیرند.

۹- مساعی دوامدار، مسلسل، اصولی و منظم خود را در راه بسط و گسترش دامنه حزب به کار گرفته؛ از تلاشهای بی ثمر و از شتاب و عجله بی مورد خودداری نماید؛ باید بکار منظم، تدریجی، مستحکم و دوامدار خود را عادی سازد. اگر ضرورت آن احساس گردد که کاری کوچک به عهده اش گذاشته شود؛ با وجود عدم مشاهده نتیجه نمایان، واضح و معجل و بدون پاداش و مزد محسوس و مشهود؛ با تمام توان و طاقت خود و با صبر و استقامت تمام انجام دهد و انجام آن را وجیه خود بداند، تصور نکند که برای اداء فریضه جهاد فی سبیل الله باید میدان رزم و جنگ همواره گرم بوده؛ هر عضو حزب تفنگ بر شانه و در سنگر گرم مقابله با دشمن قرار داشته باشد. باید بدانیم که به استثنای حالت نفیر عام (قیام عمومی)؛ لزومی ندارد که بعنوان سهمگیری در جهاد فی سبیل الله؛ هر عضو نهضت در صف اول جنگ بجنگد، بلکه غرض آمادگی برای يك جنگ و تهیه لوازم آن سالهای متواتر کار مقدماتی صورت می گیرد، اگر در خط اول و د مقدمه لشکر صدها سپاهی سر بکف می جنگد؛ صدهای دیگر در عقب جبهه برای تهیه لوازم و ضروریات يك جنگ كوچك و ابتدائی بکار مصروف می شوند. از نظر ما هم موقف برادران عجول محکوم است و هم مفکوره برادران مأیوس از مبارزه

مسلحانه (قتال فی سبیل الله) نادرست و مغایر ارزشها و رهنمودهای اسلامی. آنچه حقانیتش ثابت و مسلم است؛ کار شرعی، سنجیده، منظم، تدریجی و هماهنگ با شرائط و امکانات.

۱۰- برای آن که ملت را در کنار حزب داشته و همدردی و همنوایی اش را جلب کنیم؛ هر فرد حزب مکلف است در راه جلب رأی عامه تلاشهای منظم و به پیمانه وسیع براه بیندازد؛ البته ضروری نیست که تمامی ملت ارکان و اعضاء حزب شوند؛ برای تحقق هدف ما این هم کافی است که اکثریت مردم در مورد حقانیت نهضت و درستی سیاستها و اهدافش معترف بوده؛ صحت موضعگیری ها و مواقف ما را تصدیق نمایند و اثرات اخلاقی اعضاء حزب آنها را تحت تأثیر قرار دهد. نتیجه طبیعی همدردی و همنوایی ملت این خواهد بود که در شرائط حساس و آنگاه که حزب تصمیم مهمی در رابطه به قضایای کشور اتخاذ می کند؛ ملت را با خود خواهیم داشت. بمنظور رسیدن به این هدف باید تمامی وسایل و امکانات دست داشته را بکار بگیریم.

۱۱- پابندی و التزام به نظم و انضباط اساسی ترین خاصه زندگی حزبی است؛ اساساً يك حزب در نتیجه پابندی و التزام به نظم مشخصی بوجود می آید. داشتن نظر مشترك و هدف واحد در این زمینه قدم نهایت ابتدائی به حساب می آید. کوچکترین اهمال و بی پروایی در رابطه به مراعات نظم با مرگ و نابودی حزب مترادف است. برای استوار

نگهداشتن این نظم؛ همه اعضاء حزب مکلف اند که خواسته ها و آرزوهای شخصی شان را به نفع اسلام و اهداف اسلامی حزب قربانی نمایند. اگر هر فرد بر رأی و نظر شخصی اش پافشاری ورزد؛ مداخله دیگران را در آزادی و استقلال شخصی اش گوارا نداند؛ در آنصورت تشکیل حزب محال است؛ و اگر بفرض محال چنین جمعیتی بمیان آید؛ هرگز ادامه نخواهد یافت.

۱۲- از ایجاد اختلافات در داخل حزب به شدت خودداری نماید و در صورت ایجاد اختلافات برای رفع عاجل و کامل آن مساعی خیرخواهانه براه بیندازد. در هر کجا و در هر موضعی از اهداف، سیاستها و خط مشی حزب بوجه احسن دفاع کند و مصالح حزب را بر منافع شخصی اش ترجیح دهد.

۱۳- در هر حالت زندگی؛ در سختی و آسانی و در غم و شادی؛ از دستورها و اوامر حزب اطاعت نموده و مطابق آن عمل کند. این بخش سه مرحله متفاوت دارد:

الف- تعارف:

در این مرحله سعی به عمل می آید که مردم از مرام و طرز فکر حزب اسلامی آگاه گردند؛ آماده پیوستن به حزب و پذیرش دعوتش شوند. در این راستا گاهی از وعظ و تقریر و گاهی از تماسهای وسیع

فردی و پخش کتب اسلامی و نشرات حزب استفاده به عمل می‌آید، هدف اصلی دعوت در این مرحله یافتن افراد خوشبین و علاقه مند به حزب است؛ تا در آینده بچیث اعضاء وفادار و متعهد در سنگر حزب مبارزه کنند. در این بخش ساختار تنظیمی حزب هر آن کسی می‌تواند شامل گردد که دعوت حزب را می‌پذیرد و آماده التزام و پابندی به اصول حزب می‌گردند و در راه تحقق اهداف حزب برخی از اوقات و محنتهایش را اختصاص می‌دهد. البته درین نوع شمولیت اطاعت کامل لزومی ندارد؛ ولی احترام به نظم و اصول حزب؛ لازمی است.

ب- تکوین:

انتخاب عناصر صالح و مستعد برای قبول مسئولیت بزرگ جهاد و آماده کردن آنها طی آزمایشهای لازمی و تنظیم آنها در صفوف فشرده و منظم؛ هدف این مرحله را تشکیل می‌دهد. بنابر این که حزب اسلامی از ناحیه فکری و روانی نهضتی است که معنویت و روحانیت مبنای آن است، از لحاظ عملی تنظیمی است کاملاً نظامی که اطاعت و نظم از مقتضیات اساسی آن اند. از این رو طریق کار حزب در هر دو بخش ایجاب می‌کند که اعضاء آن برعلاوه اطاعت کامل از فرامین و هدایات حزب؛ بخاطر تزکیه نفس تربیه روحی بگیرند.

در این مستوی تنظیمی بطور خاص کسانی شامل می‌شوند که استعداد و آمادگی کافی جد و جهد مستمر و خستگی ناپذیر را داشته

باشند؛ این جد و جهد خیلی پیگیر، دوامدار، پر از مصائب و حامل مسئولیت‌های بس سنگین است. استعدادی که برای تحمل این مسئولیت سنگین لازم است عنصر (اطاعت) شرط اساسی و عمده آن است.

ج- تنفیذ:

در این مرحله مساعی برای تحقق هدف به جهاد پیگیر و انقطاع ناپذیر مبدل می گردد، به جهادی که مجال هیچگونه سهل انگاری و اهمال در آن سراغ نمی شود. مرحله ای حاوی چنان آزمایش و امتحانی که تنها افراد صادق و مخلص می توانند از آن پیروزمندانه بیرون روند. دراین مرحله نیز تنها روحیه (اطاعت کامل) می تواند ضامن پیروزی و موفقیت باشد.

مسئولیت‌های متعهدین و منسوبین حزب ایجاب می کند که بعد از شمولیت در این حزب، توافق با دعوت آن و پابندی و التزام به تعهدات در قبال حزب؛ سعی نمایند در مرحله دومی داخل و بطور تدریجی به مرحله سومی ارتقاء یابند.

۱۴- اعضاء حزب باید در مورد اهلیت و اخلاص مقامات رهبری چنان مطمئن باشند که در نتیجه آن محبت، احترام و اطاعت بمیان آید، باید متوجه باشند که وجود قیادت در يك حزب عنصر اهم دعوت را تشکیل می دهد؛ بدون قیادت هرگز حزبی بوجود نمی آید. اعتماد باهمی میان سپاهی و افسر نیرومندی و پیروزی سپاه را تضمین می کند؛ و از چنین

اعتمادی حزب نیرومند بمیان می آید و امکان رسیدن به هدف را بدست می آورد.

بر ما لازم است تا برای استحکام هرچه بیشتر حزب بطور صمیمانه تعهد نماییم که از اوامر و هدایات حزب اطاعت کنیم. ارکان رهبری باید در برابر سائر اعضاء حزب از لحاظ روابط قلبی با آنان عنوان پدر را داشته باشند، از ناحیه دلسوزی، محبت و مهربانی رابطه ای شبیه رابطه پدر مهربان با فرزندانش؛ از ناحیه تربیه و آموزش شان چون استاد آگاه و با تجربه، از ناحیه تربیه روحی و معنوی شان چون مرشد متقی باشند؛ و در رابطه به تنظیم هر چه بهتر حزب و رهبری سالمش به جلو و توجه و اهتمام به عملی کردن سیاستها و تصمیمهای حزب چون زعیم هوشیار عمل کنند و با دوراندیشی کامل در راه استحکام حزب سعی و تلاش می ورزند. برای پیروزی هر نهضت فکری اعتماد بر قیادت و زعامت نهضت عامل اصلی و تعیین کننده است. برای درک مفهوم اعتماد لازم است که برادران ما این پرسشها را از خود داشته باشند:

الف- آیا با مقامات رهبری حزب تعارف ابتدائی دارد و مراحل مختلف زندگی شانرا مطالعه کرده است.

ب- آیا در مورد اهلیت و استعداد مقامات رهبری حزب اعتماد دارد.

ج- آیا حاضر است هدایات مرجع قیادت را بصورت قاطع و بدون شك و تردید بپذیرد. و آیا آماده است چون خیرخواه مخلص به مقامات

رهبری تجاویز بهتری پیشنهاد نموده؛ آنها را نسبت به خطاها و اشتباهات شان متنبه سازد.

د- آیا حاضر است در مورد مسائل اجتهادی مربوط به حوادث روزمره؛ اگر رأی شخصی وی مخالف فیصله مقامات رهبری حزب باشد؛ در آن صورت رأی شخصی اش را نادرست پنداشته و حقانیت فیصله مقامات رهبری را بپذیرد.

مطابق به جواب پرسشهای فوق الذکر هر عضو حزب می تواند معیار اعتمادش را نسبت به مقامات رهبری تشخیص دهد.

چهارم- مسئولیت‌های اجتماعی:

تشکیل جامعه اسلامی و اقامه شریعت در زمینه تنظیم ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی؛ نصب العین عملی فعالیت‌های افراد مؤمن را تشکیل می دهد؛ اعضاء حزب اسلامی در این زمینه مسئولیت‌های زیرین را بعهده دارند:

۱- رهنمایی و اصلاح جامعه، مبارزه با فساد، فجایع و بدیها، بسط و گسترش فضائل و نیکیها، دعوت مردم بسوی احسان، نیکی و نیکوکاری، مسابقه در انجام اعمال نیک، سعی و مجاهدت در راه عملی شدن تعالیم اسلامی در تمامی زوایای زندگی مردم.

۲- برای رفع بی سوادی از جامعه؛ برادران تعلیم یافته ما مکلف اند در

حد توان و استعداد شان؛ عده ای از افراد بی سواد و بی تعلیم را که از ناحیه اخلاق بطور نسبی شایستگی شمولیت در حزب را دارند؛ تحت تربیه گرفته؛ مصارف دوران تربیه آنها را خود بعهده بگیرند؛ در رابطه به تعیین وقت نیز ترتیبی اتخاذ کنند که سهولتهای بیشتری برای آنها فراهم گردد، مشکل تهیه جای و محل نیز بر عهده آنها گذاشته نشود بلکه شخصاً زمینه آنها فراهم سازند. در جریان تربیه نه تنها آنان را از افکار و نظریات خود متأثر سازند بلکه با آنها رویه ای صورت گیرد که مساوات، همدردی و اخوت مبنای آن باشد، چنان معامله ای دوستانه و صمیمانه که هر یکی از صمیم دل شیفته حزب شود، به آنان ثابت کنند که در غم و اندوه شریک و همدرد شان اند، در هر مصیبت و تکلیفی که به آنان می رسد؛ در حد توان خویش آنها را یاری کنند و یا علی الاقل اظهار همدردی نمایند. با طرز العمل خود به آنها ثابت کنید که هیچگونه امتیاز و برتری ای از آنها ندارید؛ تفاخر و تکبری که طبقه باسواد نسبت به طبقه عوام از خود بروز می دهند؛ باید در شخصیت و تعامل تان با آنان هیچ شائبه ای از آن مشاهده نشود، با شیوه نهایت مخلصانه و صادقانه در جهت اصلاح نواقص و کمبودهای اخلاقی آنها سعی ورزیده و احساس کهنتری و پستی که از ناحیه وضع آشفته اقتصادی، جهالت و وضع فاسد و تباه کن اخلاقی جامعه در آنها ایجاد گردیده؛ از بین برود و در ضمیر آنها شعور عظمت انسانی که از اسلام و ایمان مایه می گیرد احیاء گردد، سپس این عقیده در ذهن آنها جانشین

شود که تمامی مشکلات اقتصادی و پریشانی و اضطرابی که از رهگذر تسلط مدنیت کاذب فعلی بمیان آمده؛ راه علاج واحدی دارد و آن راه فقط این است که صادقانه به اسلام رجوع کنیم و نظام اسلامی را در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی جامعه پیاده کنیم.

۳- جد و جهد دوامدار برای تحکیم وحدت نیروهای اسلامی در داخل کشور و حل اختلافات فرعی ذات البینی میان آنها. مسئولیت اعضاء حزب ایجاب می کند که در مورد معامله با گروه ها و جمعیه‌های اسلامی با احتیاط کامل عمل نمایند، باید در ظاهر و باطن و آشکارا و پنهان؛ از طعن، طنز، تحقیر و اهانت آنها خودداری ورزند، به عنوان حریف و رقیب در جستجوی شکست، ناکامی و رسوایی آنها نباشند. عامل عمده این گونه برخورد در واقع این تصور و تفکر عده ای از برادران است که چرا دیگران از درك حقائق عاجز اند که ما درك کرده ایم! و یا چرا جرات و همت مبارزه پیگیر در راه دفاع از حق را ندارند!! این تصور و انتباه که چرا دیگران حقائق واضح و بدیهی موجود را درك نمی کنند؛ باعث می شود که احساس برتری و امتیاز نسبت به آنان نموده؛ آنها را مستحق ملامت و سرزنش می دانند و به گونه ای با آنان برخورد می کنند که معلم عصبانی و بی حوصله با شاگرد تنبش می کند؛ به سبب هر غلطی و اشتباه او را تهدید و سرزنش می کند!! متأسفانه اینها نیز سائر گروه ها، دسته ها و اشخاصی را شایسته سرزنش می خوانند و در برابرشان روش خشونت آمیز اختیار می کنند که راه

حزب ما را تعقیب نمی‌کنند.

سیاست و روش این حزب در قبال گروه‌های اسلامی سیاست انعطاف‌پذیر؛ مبنی بر دلسوزی، همدردی و احساس اخوت و برداری بوده؛ از طنز و تعرض، جنگ و جدل با آنها اجتناب می‌ورزیم و به خود حق نمی‌دهیم که برخلاف آنها به تبلیغات ناروا و ناجائز پردازیم، موافقی در برابر آنها اتخاذ نمی‌کنیم که منجر به ایجاد فاصله‌های عمیق و افتراق شدید گردیده؛ عداوتها و دشمنی‌های آشتی‌ناپذیر ایجاد شود. این درست است که تشخیص ما از وضع و شرائط و احساس و درك ما از وظیفه و مسئولیت بر مبنای حق و حقیقت استوار است و اکثریت مردم از سعادت درك حق و نعمت تشخیص وجیه و مسئولیت خویش محروم‌اند، اما با وجود آن جائز نمی‌دانیم که نسبت به آنها از غرور، تکبر، بی‌رحمی و قساوت کار گرفته؛ شیوه بر خورد ما با آنها چنان باشد که آنها را از خود برانیم؛ بلکه لازم است تا با شیوه معقول و اصولی آنها را به معقولیت سیاستها و شیوه کار حزب متقاعد و قانع سازیم. اما معنی این سخن هرگز این نیست که ما خرافاتی را به نقد نکشیم و محکوم نکنیم که دیگران بر آن باور دارند، افکار غلط و نادرستی را نشاندهی نکنیم که با ارزشها و رهنمودهای دینی تعارض دارند و عده‌ای آن را به دین منسوب می‌کنند، ما با خرافات، افکار غلط و عقائد نادرست کنار نمی‌آییم و سازش نمی‌کنیم، از آنها نفرت داریم و در برابرش سکوت نمی‌کنیم، اما این نفرت و انزجار باعث نمی‌

شود که عطوفت و دلسوزی ما نسبت به کسانی رنگ ببازد و از میان برود که به بیراهه رفته اند، مرتکب اشتباه شده اند و به خرافات و عقائد غلط باور کرده اند، آنها را به حقائق متوجه می سازیم و از افکار غلط و عقائد نادرست برمی گردایم.

۴- مبارزه پیگیر و دوامدار برای نجات وطن از تسلط و نفوذ اجانب؛ خواه این تسلط سیاسی باشد و یا اقتصادی، فرهنگی باشد و یا عقیدوی، فکری و کلتوری.

۵- مساعی صمیمانه و منظم برای اصلاح حکومت‌های فاسد، مبارزه دوامدار برای سرنگونی رژیم‌های غیراسلامی و لادین و همکاری صادقانه و مخلصانه با نظامها و حکومت‌هایی که برای حاکمیت اسلام بکار می پردازند. باید متوجه بود که زمانی می توان يك حکومت را حکومت اسلامی خواند که مسئولین و کارکنانش مسلمان باشند، مسئولیتها و فرائض دینی شانرا اداء نموده؛ و در عمل از احکام اسلامی نافرمانی نکنند و برنامه کاری اش بر مواد ذیل استوار باشد:

الف- سعی در راه تنفیذ شریعت اسلامی.

ب- احساس مسئولیت در برابر ملت، دلسوزی و مهربانی نسبت به مردم، برقراری امنیت عامه و دفاع از مال و جان مردم.

ج- مراعات عدل و انصاف و خودداری از تصرفات ناروا و ناجائز در دارایی عامه.

د- تعمیم فضایل اخلاقی، بسط و توسعه دعوت اسلامی و مبارزه با فساد و بدکاری.

هرگاه حکومتی این مسئولیتها را انجام دهد؛ بر همه افراد مؤمن لازم است با تمام نیرو و توان و به قیمت جان و مال شان با آن تعاون نموده، به دفاع از آن پردازند و اگر در انجام وظائف و مسئولیتهای اسلامی اش سهل انگاری و اهمال نماید؛ نخست از راه نصیحت و رهنمایی به اصلاحش پردازند و در صورتی که اصلاح نگردد؛ لازم است تمام مساعی جمیله افراد با ایمان در جهت عزل آن بکار رود.

۶- سعی و مجاهدت برای آزادی سرزمینهای محکوم اسلامی، اعاده مجد و عظمت از دست رفته امت، احیاء فرهنگ و ثقافت اسلامی، تأمین موجودیت سیاسی مستقل امت و مساعی در راه تشکیل خلافت اسلامی.

۷- پخش دعوت اسلامی در سراسر جهان و رهنمایی بشریت بسوی پذیرش عملی تعلیمات پرارزش و نجاتبخش اسلامی و سعی در راه اعلاء کلمة الله در تمام جهان.

۸- مساعی خستگی ناپذیر در راه تحکیم وحدت کامل نیروهای اسلامی در سراسر جهان. گرچه مراعات مواد (۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸) در مجموع بعهدہ حزب است؛ ولی هر عضو بصورت انفرادی نیز مکلف است تا مطابق اصول و مقررات حزب و در حد توان و قدرت خود در راه انجام

این مسئله‌ها سعی نماید.

هرچند مساعی در راه تحقق این اهداف مقدس و بزرگ؛ و اداء موفقانه این مسئله‌های عظیم و سترگ؛ چنان مشکلات و دشواریهایی طاقت فرسا را در برابر افراد مؤمن قرار می‌دهد که افراد بی‌ایمان و بی‌اراده؛ عبور پیروز مندانه از آنها را خواب و خیال می‌پندارند، ولی مبارزینی مؤمن و مصمم که متکأ و پشتوانه شان را حمایه و نصرت الهی قرار داده‌اند، و همواره بر این حمایه و نصرت حساب می‌کنند و از رحمت بی‌پایان پروردگار عالمیان مأیوس نیستند؛ فرارسیدن آن روز را حقیقت مسلم و تحقق یافتنی می‌دانند که درفش شکوهمند اسلام به اهتزاز آید.

وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ* یوسف: ۲۲

و خداوند بر کارهایش غالب است ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

مسئولیت‌های اعضای شوری

هر عضو شوری؛ علاوه بر مسئولیت‌هایی که به عنوان عضو حزب به عهده دارد و تمامی مواد مسئولیت‌های عضو متوجه وی است، به گونه خاص وظائف و مسئولیت‌های ذیل را بعهده دارد:

۱- اطاعت از اوامر الهی و پیروی از رهنمودهای پیامبر صلی الله علیه و سلم را از هر چیزی دیگر مقدم بداند.

۲- تابع اصول و مقررات حزب بوده؛ به تقاضاهای آن التزام و پابندی داشته و در پیروی از این مقررات و در انجام مسئولیت‌ها و وجائب خود بعنوان فرد مسلمان در مقایسه با سائر اعضای حزب تفاوت و امتیاز فوق العاده داشته باشد.

۳- جز در حالتی که عذر شرعی در میان باشد؛ در تمامی مجالس شوری شرکت ورزد.

۴- در مورد موضوعاتی که در مجالس شوری مطرح می گردند؛ رأی و نظر حقیقی اش را مطابق ایمان، فهم و وجدان خود اظهار نموده و در این رابطه به هیچ چیزی دیگر جز رهنمودها و ارزشهای اسلامی و خیر

و مصلحت حزب؛ واقعی نگذارد.

۵- از دسته بندیهای تفرقه آمیز در داخل حزب به سختی اجتناب ورزد.
۶- اگر در جریان کار و یا امور تنظیمی حزب کم و کاست و نقصی را مشاهده کند باید با صداقت کامل در رفع آن سعی و تلاش صمیمانه و صادقانه بنماید.

۷- برای آن که بتواند در قضایای مربوط به حزب نظر صائب و شرعی ارائه نموده؛ حزب را در مسیر اصولی و اسلامی اش رهبری کند؛ باید در زمینه کسب علوم اسلامی، تلاوت قرآنکریم، مطالعه احادیث و بررسی کارنامه های احزاب و جمعیت‌های اسلامی اهتمام و سعی زیاد داشته باشد.

۸- در رابطه به رهبری سالم حزب همواره احساس مسئولیت نموده؛ از اهمال و غفلت بشدت خودداری ورزد.

۹- مشکلات و موانعی که در قبال حزب قرار گرفته و یا احتمال آن موجود است که حزب در آینده با آن مواجه گردد؛ در راه رفع آن تدابیر، نقشه ها و برنامه های دقیق و سازنده طرح نموده؛ به مجالس شوری تقدیم نماید، ولی هرگز به خود حق ندهد که قبل از بحث در شوری و اتخاذ تصمیم؛ به نفع نظر شخصی اش در داخل اعضاء حزب بکار پردازد.

۱۰- اگر در اثنای اتخاذ تصمیم در مجالس شوری نتوانسته نظری ارائه

کند که حمایت و موافقه سائر اعضاء مجلس را جلب نماید و یا فیصله شوری مخالف رأی شخصی اش باشد؛ باید از پافشاری بی مورد بر نظریات شخصی اش اجتناب ورزیده؛ از ادامه فعالیت به نفع نظریه شخصی اش خودداری نماید؛ مخصوصاً از طرح آن میان سائر اعضاء حزب کاملاً إباء ورزد. خود را مکلف بداند که از معقولیت نظر تصویب شده دفاع نموده؛ نظریات شخصی اش را کنار بگذارد.

۱۱- اعضاء شوری اولین کسانی می باشند که در رابطه به تعمیم فیصله های شوری قبل از دیگران بیشترین مسئولیت را بعهده دارند.

۱۲- عواقب و نتایجی که بر تصامیم و قرارهای رسمی شوری مرتب می گردد؛ در مسئولیت آن خود را شریک بگیرد و مسئولیت عواقب آنرا متوجه افرادی نسازد که طرح آنرا پیشنهاد کرده اند و یا به نفع آن رأی داده اند؛ بلکه به عنوان عضو مسئول؛ در قبال نتایج فیصله های حزب در کنار دیگران احساس مسئولیت کند.

۱۳- اعضاء شوری بحیث هیئت رهبری حزب مکلف اند تا با یقین و باور کامل به صحت و معقولیت سیاستها و شیوه کار حزب؛ بدون اظهار هیچگونه شک و تردیدی؛ از صمیم قلب، با شور و شوق، و با جدیت و تحرك در جهت تعمیم آن بکار پردازند، همواره و در برابر هر کسی از معقولیت و حقانیت آن دفاع کنند، حق ندارند موافقی اتخاذ نمایند که منسوبین حزب در باره اعضاء شوری گمان کنند که نسبت به تصامیم و

شیوه کار حزب مطمئن نیستند. این کار موجبات تشویش و پریشانی اعضا را فراهم ساخته؛ بر تمامی فعالیتهای شان که در راه تعمیم فیصله ها و تصامیم حزب انجام می دهند؛ تأثیر سوء گذاشته؛ دلچسپی و علاقه مندی شان را با کارها از دست می دهند.

۱۴- در مجالس شوری آداب مجلس را مراعات نموده؛ از خشونت، تند خویی، بی نظمیها، قال مقالها، بحثهای بی ربط به اجندای مجلس، ضیاع وقت، عدم مراعات ترتیب نوبت، بی اهمیت تلقی کردن نظریات و پیشنهادات دیگران، موضعگیریهای ناسالم و مخاصمانه، و از پافشاری بی مورد بر نظریات شخصی جداً خودداری ورزد.

۱۵- اسرار مجالس سری شوری را چون امانت حفظ کند. احدی حق ندارد که مسائل مربوط به جریان مجلس شوری را در خارج از مجلس و در برابر دیگران طرح نماید. اسرار مجالس شوری به شرح ذیل خلاصه می گردد:

الف: تصامیمی که مجلس شوری نمی خواهد سائر افراد از آن واقف گردد.

ب: اختلافات و جر و بحثهایی که در جریان مجلس بمیان می آید.

ج: نظریات و پیشنهادات آنده اعضا شوری که موافق نیستند سائر اعضا حزب از آنها واقف گردند.

۱۶- اعضا شوری در روابط و علائق ذات الینی شان کاملترین نمونه

های اخلاق اسلامی را تمثیل نموده؛ سعی نمایند تا وحدت نظر و وحدت عمل حفظ گردد. از موضعگیری بر ضد همدیگر به شدت خودداری کنند.

۱۷- در صورتی که يك عضو مجلس احساس کند مواقف و موضعگیریهایش منتج به ایجاد اختلاف در مجالس شوری می گردد و او قادر نیست در وضع و رویه اش تجدید نظر کند؛ در چنین صورتی بهتر است با احترام به آینده حزب و مصالح آن از عضویت شوری منصرف و مستعفی گردد.

۱۸- اعضاء شوری تا حد مراعات سنت مؤکد چنان مکلف اند که در صورت اهمال و غفلت و عدم مراعات آن شایستگی عضویت در مجلس شوری مرکزی حزب را از دست می دهند. به نماز تهجد توصیه می شوند، چه به استناد قرآن عظیم الشأن وقت نماز تهجد بهترین فرصت تفکر درست و فهم و دانش صحیح و سالم است.

۱۹- هر عضو شوری مکلف است که مطابق سیاست دعوتی و تبلیغی حزب و برنامه های تربیوی اش؛ اعتماد سائر افراد را نسبت به اهداف، سیاستها، شیوه کار، صداقت و اخلاص مقامات رهبری حزب جلب نموده؛ به همکاری با حزب دعوت نمایند و نتایج کار شان را به شعبه دعوت و تنظیم بسپارند.

۲۰- برتری اخلاقی و معنوی اعضاء شوری باید در مقایسه به سائر

اعضاء حزب کاملاً واضح و نمایان باشد.

مسئولیت‌های امیر حزب و امرای ماتحت

در برابر امیر حزب و امرای زیرین تمامی مواد مسئولیت‌های عضو؛ به پیمانه وسیع‌تر و جدی‌تر مطرح می‌باشد، علاوه بر آن مسئولیت‌های ذیل را نیز بعهدہ دارند:

۱- اصول و مقررات حزب را محترم و واجب التعمیل شمرده؛ در حدود صلاحیتهایی که در اساسنامه توضیح گردیده؛ بکار می‌پردازند.

امیر که در ابعاد مختلف شخصیتش ممثل ارزشها، اصول و مقررات حزب است؛ باید در امر مراعات حدود، احکام، وجائب و مستحبات شرعی اش دقیقاً متوجه باشد. برای آن که از مجموع حزب نمایندگی می‌کند باید اخلاق، کردار، تماسها، نوعیت کار، شیوه برخورد او با دیگران به گونه ای باشد که طرف اعتماد افراد مسلمان قرار گرفته؛ آنها را مطمئن سازد که حزب در مجموع برای اقامه دین و به منظور اعلاء کلمة الله بکار پرداخته و اهداف شخصی، اغراض و مطامع مادی محور فعالیت‌های حزب و اعضاء و مسئولین آن را تشکیل نمی‌دهد.

۲- از مشاهده گناه و منکر چه در داخل حزب و چه در خارج از آن به سختی احساس اذیت نموده؛ در زمینه مبارزه با آن از مساهله و اهمال کار نگیرد و به سازش و تسلیم طلبی مبادرت نورزد.

۳- امیر باید در فداکاری و جرأت، زهد و تقوی، سعی و مجاهدت، انصاف و عدالت، صداقت و اخلاص و بالآخره در تمامی مواصفات لازمه شخصیت افراد مؤمن؛ نسبت به همه اعضاء حزب جلوتر باشد.

۴- عدالت و انصاف را هم در خصوص شخص خود و هم در مورد سائر اعضاء حزب با کمال باریک بینی و احتیاط مراعات نموده؛ کوچکترین بی انصافی و بی عدالتی را مخصوصاً در داخل حزب تحمل نکند. بنابر رفاقت‌های شخصی و علائق و مناسبات محلی و قومی؛ میان برادران به تفاوت و امتیاز قائل نبوده و از ایجاد دسته بندی‌های ناروا و ناجائز خودداری ورزد و مخصوصاً از اعمالی که عوامل تشویش سایر افراد را فراهم ساخته؛ احساس دسته بندی‌ها و گروه بندی‌ها را بوجود می آورد؛ به شدت دوری کند.

۵- موجودیت، بقاء و پیروزی نهضت اسلامی مربوط و منوط به اصول، مقررات، قواعد و ستنهایی است که طبیعت این نهضت مقتضی آن است؛ بدون درك درست و اصولی از این سنتها و بدون مراعات کامل و همه جانبه و قطعی آن امکان موجودیت، بقاء و پیروزی نهضت اسلامی میسر نمی گردد.

برای تحقق پیروزی نهضت لازم است تا امیر و سائر مسئولین و امراء مقتضیات و لوازم نهضت اسلامی و اصولی را که خداوند متعال برای آن وضع فرموده؛ بخوبی تشخیص داده و در پرتو آن به رهبری و سرپرستی امور حزب بپردازند.

۶- در رابطه به معقولیت و صحت سیاستها و طریقه کار حزب کاملاً و صمیمانه متیقن بوده؛ بعد از باور و یقین کامل به حقایق راه و روش حزب بکار بپردازد؛ فشار ذهنیتها و تقاضای این و آن نباید او را وادار به اتخاذ تصمیم نادرست و انجام کاری کند که به مصالح حزب صدمه بزند.

۷- به کار منظم نهایت توجه را داشته؛ با خودسریها، تشتت، پراگندگیها و بی نظمیها مصالحه نکند، هم خود و هم سائر کارکنان حزب را وادار سازد تا در محدوده نظم، حدود و صلاحیتها بکار بپردازند.

۸- در مورد اعضاء حزب معلومات کافی، مفصل و موثق بدست آورده؛ از صفات، اخلاق و کردار آنها واقف باشد؛ تا با توجه به آن بتواند اشخاص مناسب، مستعد و موفق را برای پیشبرد بهتر کارها انتخاب کند. در رابطه به انتخاب و توظیف اشخاص باید متوجه باشد که تنها عناصر تقوی، زهد، لیاقت، اخلاص و فداکاری افراد را به اعتبار گرفته؛ تحت تأثیر تملق، چرب دستی و چرب زبانی افراد متملق و چرب زبان قرار نگیرد. همکارانی را انتخاب نکند که در خوب و بد، حق و باطل؛ مطیع او بوده؛ به اصطلاح رضاء امیر را بر خوشنودی و رضاء الله متعال ترجیح

دهند.

۹- باید همواره و با اهتمام زیاد متوجه باشد تا از استعدادها و توانمندیهای اعضای حزب استفاده درست بنماید، از يك سو نگذارد اعضای حزب بدون تحرك و فعالیت و در حال رکود و جمود باشند و از سوی دیگر از هرکسی در کار مناسبی استفاده بعمل آورده؛ نگذارد شرائطی پیش آید که اعضای حزب در رابطه به فعالیت‌های حزبی شور و شوق شان را از دست دهند و علائق شان با حزب تضعیف گردد.

۱۰- اعتراضات، انتقادات و شکایات اعضای حزب را با دقت و اعتناء کافی بشنود، پاسخهای قناعت بخش ارائه کند، اعتراضات، شکایات و انتقادات شرعی و معقول برادران را بپذیرد، به سبب انتقاد و اعتراض شان آنان را سرزنش نه بلکه بستاید و شکایات صحیح و درست را رفع کند.

۱۱- سوء تفاهم و تشویشهایی که میان برادران ایجاد می گردد باید برای رفع آن در اسرع وقت؛ تلاش جدی نموده؛ در رابطه به این که اعتماد باهمی مجدداً اعاده گردد و بساط سوء تفاهم برچیده شود؛ هرگز اهمال و غفلت نکند.

۱۲- در مورد اختلافات و مشاجرات لفظی ای که میان اعضای حزب ایجاد می گردد؛ نباید بی تفاوت باشد؛ بلکه به شدت احساس مسئولیت نموده و متوجه باشد که مبادا با اهمال او در این زمینه؛ مسائل متنازع

فیه باعث تشدید اختلافات گردیده؛ به تفریق و تجزیه منتهی شود.

۱۳- برنامه دعوت حزب باید چنان ترتیب گردد که دعوت بسوی هدف و نصب العین صورت گیرد؛ نه بسوی شخصیت امراء.

اصولاً افراد باید با حزب؛ با چنان رشته محکم و ناگسستنی پیوندند که بقاء و دوام آن دائمی باشد، نه سست و موقتی، اگر در برنامه دعوت؛ به اهداف مقدس اهتمام شود و نصب العین بلند و بالا مطمح نظر باشد؛ و مردم به سوی همین نصب العین دعوت شوند و افراد با توجه به آن با حزب تعهد کنند؛ با تغییر و تعویض اشخاص و تبدیلی در تنظیم؛ علائق و ارتباطات آنان با حزب نمی گسند بلکه به قوت خود ادامه می یابد. مهمترین هدف نهضت اسلامی و بموازین آن اساسی ترین وظیفه و مسئولیت رهبرانش در واقع دعوت به سوی بندگی خدا و سعی در راه اقامه دین است، برای نیل به این هدف گرامی لازم است تا تمامی فعالیتها، مساعی و تعلقات بر محور همین هدف مقدس بچرخند و دعوتگران برای تحقق همین هدف بزرگ تلاش نموده و مسئولیتهای الهی شان را اداء کنند، از بذل مساعی صادقانه و مخلصانه در این راه دریغ نورزند.

۱۴- در رابطه به تربیه سالم اعضاء حزب اهتمام زیاد داشته؛ نقش او در این کار بیش از دیگران و کاملاً نمایان باشد.

۱۵- در اثناء سرپرستی از مجالس شوری و سائر جلسات؛ متوجه آن

باشد که مجالس در فضاء برادری و صمیمیت پایان یابد و نتایج مثبت و مفید بر آن مرتب گردد. از ضیاع وقت، بحثهای بی مورد و بی ربط به اجندای مجلس، بی نظمیها، ایجاد عداوت و کینه میان اعضاء مجلس جلوگیری شود، بحثها بشکل خیلی منظم و مثمر ادامه بیابد و هر کسی فرصت آنرا داشته باشد که نظرش را در فضاء مطمئن و کاملاً سازگار و موافق مطرح نموده و دلائل معقولیتش را ارائه کند، سعی گردد تا نظر احدی بی اهمیت تلقی نشود.

برای حصول این مطلب مراعات نکات ذیل ضروری است:

الف: اجندای مجلس؛ به همکاری اعضاء کمیته اجراییه؛ ترتیب گردیده؛ بعد از غور و مذاقه کامل؛ مطابق مواد اساسنامه به اطلاع اعضاء مجلس رسانده شود، سپس در موعد تعیین شده اش؛ مسائل شامل اجندا بالترتیب به بحث گرفته شوند، نخست امیر حزب و متعاقب آن سائر اعضاء کمیته اجراییه؛ دلائل معقولیت پیشنهادات شانرا ارائه کنند، بعد مجال بحث بر آن برای اعضاء مجلس فراهم شود و تصامیم مناسب اتخاذ گردد.

ب: در اثناء بحث و ارائه نظر از تقابل لفظی میان اعضاء مجلس جلوگیری کند و در شرائطی که ادامه سخنرانی يك عضو؛ منجر به مجادله و مخاصمه می شود؛ بحث و مناقشه را مهار نموده و به اعضاء مجلس توصیه ها و سفارشهای مناسب بنماید.

ج: ترتیب نوبت در سخنرانیها مراعات گردیده و مدت سخنرانی اعضا از قبل تعیین شود.

د: هر گاه احساس کند که وضع مجلس خوب و دلخواه نیست؛ باید بمشوره اعضاء مجلس ختم آنرا اعلان نموده؛ فرصتی دیگر را برای بحث انتخاب کند، سعی کند در جریان همین وقفه و از طریق تفاهم با اطراف ذیدخل شرائط آنرا فراهم سازد که در صورت انعقاد مجدد مجلس؛ مشکلات قبلی از میان رفته و فضاء کاملاً آرام و مطمئن ایجاد گردیده باشد.

۱۶- در زمینه جلب همکاری جدی و مخلصانه اعضاء شوری مساعی ممکن بخرج دهد؛ ولی اگر احساس کرد که اعضاء شوری حزب حاضر نیستند با او به گونه صادقانه و مخلصانه همکاری کنند و او نیز قادر به جلب اعتماد و همکاری آنان نیست؛ در آنصورت بر امیر حزب لازم است که بخاطر احترام به سرنوشت حزب و مصالح علیاء آن از وظیفه اش استعفاء نموده؛ بگذارد قبل از این که حزب با رکود مواجه گردد؛ شوری حزب کسی دیگر را برای انجام این مسئولیت خطیر انتخاب کند. در رابطه به توقف و رکود در کارهای حزب؛ دلیل عدم همکاری سائر افراد نمی تواند او را برائت دهد.

اختتامیه

شما ای فدائیان سر بکف! شما ای رزمندگان با ایمان!

و شما ای رهروان راه حق!

با ایقان کامل بدانید که با مراعات این شرائط؛ در قطار کاروانی قرار می‌گیرید که پیامبر گرامی اسلام قافله سالار آن و پروردگار مقتدر و توانا حامی و ناصر آن است. اگر شما به فضل و عنایت الهی توفیق آنرا حاصل کنید که مطابق این لایحه عمل نموده؛ مراعات آنرا غایه و هدف زندگی تان قرار دهید؛ مطمئن باشید که عزت و سربلندی دنیا، فلاح و رستگاری آخرت و رضاء الهی را حاصل خواهید کرد. قرآن در این رابطه می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ*

هان ای آنان که ایمان آورده‌اند! آیا به تجارتی رهنمایی تان کنم که شما را از عذاب دردناک نجات دهد.

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ*

بخدا و پیامبرش ایمان داشته باشید، با مال و جان تان در راه خدا جهاد

کنید، این برای تان بهتر است اگر بدانید.

يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ *

گناهان تان را می آمرزد و به باغهایی در بهشت شما را داخل می کند که زیر (درختها و قصرهای) آن جویبارها جریان دارد و پاکیزه منزلهایی در باغهای ماندگار بهشت، این است همان پیروزی بزرگ.

وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ *

و آن دیگری که دوستش دارید: نصرتی از سوی خدا و فتح و پیروزی ای قریب، مؤمنان را بشارت بده.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَنَتِ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتِ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ *

هان ای آنان که ایمان آورده اند! یار و یاور خدا باشید، همانگونه که عیسی پسر مریم به حواریون گفت: کیست مددگارم (در راهی) بسوی خدا؟ حواریون گفتند: ما یاوران خداوندیم. پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی دیگر کفر ورزیدند. و ما کسانی را علیه دشمنان شان یاری دادیم که ایمان آوردند، بناءً غالب گردیدند.

وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ